

ملت هستیم بر حسب مکالمات شفاخانه و مراسلات کتبی وکیل ابلاغ هستیم ، که تمام دول متقدمه دنیا رسام که در محافل سیاسی و غیر سیاسی مذاکره این سه حکم مستبدانه را فرود دانند که اصالتی از افراد ملت با استبداد دولت گرفته شده خبری و از درجه اعتبار ساقط، و استقراری که از تاریخ مشروطیت دولت بعهده ملت کرده باشد ملت فخره دار ایسای وجه آن استقراری نخواهد بود ، و امتیازاتی که در این زمان باجابت داده میشود و معاهداتی که واقع میشود، ملت امضاء و اجازه ندارد لغو و باطل خواهد بود، این شاه با سایر قطاع الطریق یکسان است، این ورقه فعلاً ورقه رسمی ملت ایران شمرده میشود ، که بتوسط سفیر دولت هولند مبنی بهداد مجلس لاهی اعلام گردید - خدام شریعت جعفریه رؤساء روحانی ملت ایران و قاطبه شیعه حفری علمای نجف اشرف محل الحاج میرزا خلیل طهرانی الأسقر الجبر محمد کالم خراسانی لآخر عبده لالارندری

حبل المتین

مواداران حقوق ملیه را در هر قطه که هستند متنبه و متذکریم که برخی پروتستهای مهمه و احکام رسمیه حضرات آیات الله را (که اهم بر ریاست روحانی امروزه وکالت مطلقه هم از کایه ابرایسای دارد) بزبانهای مختلفه ترجمه و در جرائد معتبره انتشار و در محافل رسمیه و غیره رسمیه هر روح که مقتضی داند تقدیم نمایند اداره حبل المتین به تکالیف خود عمل نماید ولی هرگاه در هر قطه و هر زمان محافل رسمی و غیر رسمی هم ملل متهمه تقدم شود البته صلاح ملت است ، چه این نکته به یکوش و طالبان ظاهر میدارد عقاید رؤسای مذهب جعفری و دیانت حقه اسلام دربار مشروطیت ، با مان و شخصی شاه

ایضاً

اعلان نامه تلگرافی و پروتست

رسمی حضرات آیات الله نجف اشرف

(بکار پرداز ایران)

مقیم بغداد ۲ ذی قعدة ۱۳۲۶

جناب حلاله ب کاربردار دولت فخریه دام عزه مقام ریاست روحانیه اسلامیه ابرایه باقتضای وظیفه مقامیه طود خاطر آن جناب را متوجه میخواهد که ملت ایران نظر باستقلالیت نامه که دارد تمام معاملات از قبیل استقراری و رهن و امتیاز و هر نوع مقاوله را که باضای ملت نرسیده و موافقت با قانون اساسی

داشته با حکومت قاصبه ملتند شود بمقتضای بند بیست و دوم و بیست و چهارم و بیست و پنجم قانون مزبور معتبر نخواهد شمرد
هاا حواهراتیک در خزان طهران موجود می باشد متعلق شاه بیست و مال ملت ایران است، و هر که می اسح آنها و مقاوله و امتیاز دیگر که با هر دولت یا با ملک اجایی صورت وقوع یافته باشد بحسب حفظ حقوق مالکیت خود صحیح و معتبر دانسته هم را کان لم یکن خواهیم شناخت، مستدعی آنکه معروضات فوق را بحکومت منبوعه خود بیاغ و اعتراضات سمیه ما را که هرگز روی تنی و زوال می بندد صفت مخصوصی پذیرد

محمد کالم خراسانی - عبده لالارندری

حبل المتین

این پروتست دو نکته دیگر را هم غیر از آنچه ظاهرها بیان شده معنوی است، اول آنکه حکومت شاه را باقظ علیه که از خصائص دول اسلامیه است یاد فرموده تصریح بر این است که شاه را مسلمان نمیدانند ، دوم آنکه فرموده بد دولت منبوعه خود یعنی محمد علی را بسلطنت نمی شناسیم

بالجمله نازه دارد ابرایسای بی به مفاد احکام رؤسای روحانی خود و حضرت آیات الله نجف اشرف میبرد، بن است که امروزه میتوان گفت تمام ایران مانند دریا بتلاطم آمده، و هنوز است که بیاید ابرایسای خارجه که در هیچ قطعه باندگان دولت مستبده را به ناپسندی دولت ایران می شناسد ، و در بسیاری از مقامات قونسل خانهها که بایدی داشته طاند یادگر به و غیره متصرف شده اند و این امر عنقریب به تمام ابرایسای خارجه سرایت خواهد نمود تصحیح این است که تا کنون در بغداد و کربلا و نجف و اسلامبول بطور قونسلخانه فرار است

تکرکات روتر واجع ایران

(۶ ذیحجه - ۳۰ دسمبر)

دوات روس مصمم شده است که بلك عهده جنرال فونسلگری در سفارت طهران قائم نماید، تا کارهای سفارتی او کم شود، درین قونسلخانه اداره محاکمی هم رای رعایای خویس داتر خواهد نمود

حبل المتین

این عهده نازه است که روسها در دربار ایران میخواهند قائم نمایند ، داتر نمودن محاکمه در جنرال فونسلگری نمیدانم منافی با مواد عهد نامه ترکمان جایه است یا نه، ولی کی به پرسد و کی پروتست کند؟
خبر روتر از لندن طبر میدهد بپشتشار سفارت

روس در لندن سفیر طهران مقرر گردید

حبل المتین

این نکته دال است بر اینکه ازین و بعد دولت روس در مسائل ایران هر جهت تابع دولت انگلیس خواهد بود. و این مأموریت گویا بشاه می‌فهماند که قطع امید های صری از همراهی روس بنماید، و سفارت فوق العاده را کاری از پیش عبود

(۷ ذیحجه - ۲۹ دسمبر)

بر حسب اطلاعی که بواسطه نگار روز رسیده بین دولتین روس و انگلیس در اختیار مسلکی توام برای آینده در این مراسلات جاری است

بموجب تلگرافیکه از لندن به پاریس رسیده وقایع نگار (طمس) از پتر-برگ خبر داده است که دولتین روس و انگلیس متفق الکلمه در مسلک خود شده پیش از پیش در کارهای راجعه ایران اقدام خواهند نموده و عنقریب فهرست اصلاحات لازم الاجری را بشاه پیش خواهند کرده و مجبور خواهند بود که برطبق آن دستور العمل اصلاحات را انجام دهد

حبل المتین

دولتین روس و انگلیس همان مساکیرا که دولت قبل از مشروطیت بام اصلاحات جزیره کرید و مقدونیا و غیره با عثمانی داشتند اینک در ایران اختیار نموده اند و تمام از نادان و جهالت این جوان است. باید دید که فهرست اصلاحات دولتین تا کجا نافع بحال ملت است. مظهر آنکه در مسئله مشروطیت بی طرفی اختیار نموده فقط اصلاحات ملکی را از قبیل امنیت مالی و جان و طبای خود و انتظام طرق و شوارع و دفع خونریزیهای داخلی و غیره پیش نمایند. حصول مشروطیت یا برقراری استبداد را امدادات ملتی و قزاقی دواقی خواهند کرد. و همین نیز آرزوی مشروطه خواهان ایران است. این تلگراف بشارتی که پاریسیان میدهند این است که نمایندگان روس مثل سابق مداخلتی در امور داخلی ایران نخواهند نمود. و تأیید آتی که سرأ و علناً بشاه می‌رسانند من بعد نخواهد رسید مشروطیت ایران از این راه ممکن بوده در پیشرفت مقاصد ملی خود و افتتاح پارلمان مجده اقدام نمایند

(۱۰ ذیحجه - ۳ جنوری ۱۹۰۹)

خبر روز از طهران خبر میدهد که در اصفهان انقلاب عظیمی پیش آمده سواران بختیاری شهر را قارت می‌نمایند. و جنگ شدید جاری قضای مال و جان بی حد و حصر است

بر حسب تلگرافی که از پتربرگ رسیده مشروطیتین را در (گرگان) شکست وارد آمده و حکومت مراغه نیز بجناب تهر برده تسلیم شده است (گویا فرض از

گرگان) گرگان رود قرب طالش باشد حکومت مراغه از طرف ستار خان بود شاید به تبریز طلب شده یا بعات دیگر روانه گردیده است)

(۱۱ ذیحجه - ۴ جنوری)

خبر روز از طهران خبر میدهد که قشون دواقی شهر را قارت کرده و سواران بختیاری قشون دولت پس از آتی که با سواران بختیاری جنگ شهر را قارت نموده حاکم اصفهان با تمام اعضاء خود در قوناقخانه انگلیس پناه برد. سفرای روس و انگلیس سخت بدولت اعتراض نموده. شخص شاه را دمه دار مال و جان و طبای خویش قرار میدهند

(۱۲ ذیحجه - ۵ جنوری)

بموجب تلگرافیکه از طهران رسیده جنگ غیر موالی در شهر اصفهان جاری است سواران بختیاری را از ایل تک رسیده و قه خاه را قبضه نموده و رئیس سواران بختیاری حکمران خود را در شهر اعلان داده است. عده از قشون دولت هم در دروازه انگلیس پناهنده شده اند

حبل المتین

ما برگشتگی ایل بختیاری را در دولت مسنیده قبل از این واقعات مطلع بودیم. چنانچه دو هفته قبل اشعار بر آن شد. فعلاً بختیوان درین موضوع از روی صحت بیان عنیده نمود. همینقدر میگویم اگر ایل بختیاری تمام برگشته اند وای بر سلسله قاجاریه. در هر صورت مسئله اصفهان کمتر از تبریز اهمیت ندارد چه اصفهان در نقطه مرکزی ایران واقع شده و دروازه طهرانش باید گفت. و راه ساحل را از دوحاب بر طهران می‌شد یکی از هرستان و مهره و دیگری از بوشهر و طایب فارس. ایل بختیاری که دارای بیجا هزار درخاه و هفتاد هشتاد الی صد هزار سوار جبار می‌تواند حاضر نمود اگر برش به طهران آید ده روزه دار حلاله را می‌تواند مسخر داشت. اگر استقامت بختیاری وضع گیرد مساماً قشقانی هم فارس را مسخر خواهد داشت و هر یک از بنسادر را هم یکی از شیوخ و خوانین قرب و جوار تصاحب خواهد نمود. خوب بمجلس بستن آسان بود ملکت را امر نگاه داشتن و ملت را آرام کردن دشوار است. مثل برانکه شاهنامه آخرش خوش است. نزدیک است خوفی که از چندی ما را دامن گیر شده بود صورت وقوع پیدا نماید. یعنی ملوک طوائفی در ایران رخه کند و ما با کمال اهمیت رؤیای روحانی و رجال مشروطه خواه وطن پرست که در هر نقطه به پیشرفت مقاصد ملی در کارند متنبه نموده میگویم باید با کمال دقت در دفع این میکروب طاعون استئلال بکوشند چه پیش آمد کار چنین وضع ناگوار را ظاهر میدارد

هنوز شاه حوا و رجال خان دربار از پیش آمد آینده ایران و سرپرست خود قائل اند ، چرا که نه از وضع سیاست عالم با خبر و نه تاریخ خوانده اند که از سوانح ملک و مجدداً دوار تاریخی عبرت گیرد ، شش ماه است وقت خود را صرف کرده بالغ بر یکروز خرج نموده بلکه سفرای خارجه قبولانند که مات ایران مشروطه می خواهد ، مسلم است جواب مات جز این نیست که ظاهر میدارند که ماد مشروطه میخواهیم ، از جمیع نقاط در تقدیب شاه صداها بلند شده و دارد عملی بر طالبان مسلح میدارند که ماملت ایران مشروطه میخواهیم آیا هنوز هم این جوان میتواند دعوی کند که مات مشروطه نمی خواهد ؟

رجال دربار حقت مدار حالا باید بخود آمده بجهند که احترام سفارتخانه های خارجه لازم است ، چه اگر يك روز سختی برای مات پیش می آید ، روزی برای رجال دولت میرسد و در این حکام که به پشتگرمی استبداد و قوه موهومی برای عیش و دخل دو روزه از طرف دربار سریع الزوال بحکومت میرود اسکر پشت و بناهتان قوسلحانه های خارجه باشد در جلین مواضع بکجا پناه رده جان خود را حفظ نمایند ، پس وقتی که سفارتخانه ها مظلومین ملت را پناه میدهند نباید اعتراض نمایند ، و از فرور و جهالت محوهند سفارت را تنوب بندد ، چه فرداست نه برای شاه و وزیر همین سفارتخانه ها حصن حصین خواهند گردیده مرد آحرین مبارک بنده است

از واقعات تاریخی عالم یکی هم واقعه سکنون اصفهان است ، چه در هیچ تاریخ دیده نشده که قشون روسی دولت از خوف جان پناه قونساحه خارجه به برد ، قشون با باید کشته شود یا فرار کند یا اطاعت خصم را قبول نماید ، این وقعه پیش از پیش حقیقت روسی قشون دولت را بر طالبان خود که از یکطرف شهر را به و ظارت می نمایند ، و از طرف دیگر در مقام جنگ متحصن قونساحه خارجه می شود این مراتب را باید از نتایج سحر دالست هنوز صبح ندیده فرد است که ستارخان طهران خود و سواران بختیاری هجوم به پای تخت آورد ، فرضام که هر يك بمرکز خود نذاعت کند بالااضاه این واقعات دولت را ضعیف و مات را جری میسازد هیچ بید نیست که بزودی اهالی طهران خود حرصکت نموده امر را يك طرفه نمایند

(۱۳ ذیحجه - ۶ جنوری)
سعد الدوله وزیر خارجه شد و مظلون است که

از شرکت این مرد مستقیم حریت خواه پیروی در کارها نمودار شود

(۱۴ ذیحجه - ۷ جنوری)

پادشاه ایران باعلیحضرت سلطان تلگرافاً تبریک افتتاح مجلس ملی را نموده اعلیحضرت سلطنت در جواب پیروی و ترقی ایران را خواستگار گردیده اند تلگراف مخصوص از مجلس ایلقی آذربایجان

(۲۹ ذیحجه)

خلوی - مرند - سلیمان - ارومیه ضبط و همه تحت انتظام است

مکتوب اصفهان

(۲۵ دی فده)

وضع اصفهان دگرگون به نظر می آید ، حکومت به توپ و نشر دارد تفاوت تعبیر حسن را از مردم میگیرد و این امر خیلی مورث فرت اهالی شده است ایامانی بختیاری طلب شده بود اطاعت نکرده دولت او را معزول نمود او هم در صدد جمع آوری سواراست آقا محنی باطنش هر چه باشد کار نداریم ، فعلاً با ملت اظهار همراهی دارد ولی در خلوت ، مات او تا که با حکومت خوب نیست ، حکومت برخلاف آقا محنی میرزا ابراهیم نام نکره را حجت الاسلام ساخت و از دربارم تلگرافاً بمیرزا ابراهیم خطاب حجت الاسلامی شده است فرض شان این است که حلو آقا محنی وا دارند ، در هر صورت باید چنین نمود که خیلی رود زیر کلاه این حکومت خواهند رد

الحال بحر آورد که ایامانی بختیاری بجهزار سوار برای تسخیر اصفهان تهیه دیده و مخفیانه چند نفر را هم به شهر فرستاده که اهالی را اطمینان دهند که آنها با مقاصد ملت همراه و جز مشروطیت هیچ نمیخواهند از اخبارات موقه شیراز هم خیلی مشغول بوده از بی وجودی آصف الدوله در شهر آدم حنت میکنند تجار دکان ها را بسته نزد حکومت رفته خواستگار امنیت شده جواب بیاس شنیده اند انا حاکم گفته که من قادر بر نگاهداری امنیت بیستم خودم است آنچه میتواند بکنید

سولة الدوله ایلخان قشقائی تدارک کافی برای خون خواهی معتقد دیوان از بدران قوام الملك دیده دور نیست جنوب ایران عنقریب منقلب تر از شمال آن شود تمام راه ها مسدود تجارت بند قالیه است که بی دردی بظارت میرود واقع این ست من که هماره مایوس بودم رفته رفته میرود امیدوار شوم چه کارها زاید الوصف بریشان شده طبعاً باید بساطان برسد

۱۰ پادشاه عدل خواه یقین که ظل خداست

ولی جو ظالم شود کافر و مطعون است *

۱۱ یقین که هر ظالمی بستاند از هر گبایست

برای صدق مقال کتاب بزندان گواست *

(آتش دوزخ کند برای وی انتظار)

۱۲ سبب زبست رسل اشاعه عدل بود

۱۳ هات ارسال وحی اراده عدل بود *

۱۴ علاج هر قاصدی رویه عدل بود

۱۵ دواى امراض ملك طریقه عدل بود *

(چرا که بی عدل و داد میشود کردگار)

۱۶ بدون انصاف و داد کارملی شد خراب

۱۷ چشمه امیدشان گشت بسان سراب *

۱۸ فرسودگان گشت بس قلوبشان شد گیاب

۱۹ اساس اقبالشان قناد بر روی آب *

(همینکه انصاف رت گشت پدید افتقار)

۲۰ تا که بسط سها محو ز اختر بود

۲۱ تا که خرد از خون برتر و بهتر بود *

۲۲ حای افساد و ظلم خاسر و ابر بود

۲۳ ز درد اندوهشان قلب بر الحکر بود *

(عجب این دعوتست حضرت پروردگار)

۲۴ تا که مظالم بود منافی عدل و داد

۲۵ قلوب مشروطیان خرم بادا و شاد *

۲۶ بجزان درباریان هزارها لعن باد

۲۷ که راستی گشت ابد مشاه قوم ماد *

(لعنت حق بادشان بی عدد و بی شمار)

۱۰ اخبارات تلگرافی خارجه

۱۰۱ امیرال آلمان به آماده داشتن چهار بالون (دفلین)

حکم داده است این بالون حیه سیروگشت فوج (محافظ) بکار خواهد آمد

۱۰۲ جبهه مناقشات در مجلس ملی که کیسیون مقرر شده بود - فیصل نموده که مناقشه که در آتیه در

مجلس ملی پیش آید تصفیه آن را اداره نظمی (پلیس) خواهد نمود، و بجز این را سزا خواهد داد - و

۱۰۳ قانون مخصوصی در این باره باید وضع نمود، رأی کیسیون اینست که ناوقتیکه این قانون امضا نیافته نماند

میتواند در مجلس نشست

۱۰۴ مسوده قانون جدید هند شرق در مجلس ملی

انگلستان از تأیید هوس آف لارد امضا یافت

۱۰۵ افتتاح محاسن شوری ملی انگلستان بعد از تعطیل

۱۶ فروری خواهد بود

۱۰۶ محضر (روتر) از (پیکن) خبر میدهد که

(دلائل لاما) با نائب السلطنه و وزیر خارجه و ح

مموده از (پیکر) حرکت خواهد نمود

۱۰۷ (سیلیتزر نوکس) نایب (منتر فنت) رئیس جمهوری

انارونی مقرر شد

۱۰۸ عقیقه سیاسیون (برلن) اینست که (بریسنات

کاترو) مجدد حساب راتن در (وینزولا) را ندارد

چه محل خوف است

۱۰۹ تلگرافی از (لسن) رسیده که هیئت وروا استعفا

داده و وزارت جدید قائم شده است

۱۱۰ افواست پیچیده که دورتی بین دولت (پرتگال)

و دولت چین مانده و نظام رود خانه (میکاز)

بتدریج خواهد شد

۱۱۱ بار دیگر جراند المس و فراسه بر یکدیگر حمله

می نمایند، در خصوص خبرهایی که روزنامهجات آلمان

اشاره کرده که دولت آلمان دعوی نظام و اسلح

حدود بین (لیریا) و (مراکو) را خواهد کرد -

۱۱۲ روزنامهجات فراسه می نویسند که برطبق معاهدات این

نظام حق فراسه و (مراکو) است -

۱۱۳ (لارد ویلیام سیسل) بحیث زوجة خود اراده

دارد در چین ورود نادرالعلوم اروپا را حسب تحریک

دولتین امریکا و انگلیس قائم نماید -

۱۱۴ بحار (طانی نگر) شروع به ترك استعمال

اجناس آستریا نموده -

۱۱۵ در (پترسبرگ) افواست که دولت آلمان

اراده دارد در مشرق انصی فوج بحری بفرستد و

تدارک دیده که با راه آهن (ساییریا) روانه دارد

۱۱۶ از لطف اعلیحضرت سلطان در (ویا) در نجدی

زیاد نمودار شده ولی امید است مورث تعطیل غارات

نشود، چه دولت عثمانی زودی امر به استعمال اشیا

(آستریا) خواهد نمود - آستریا و هلگری تازه حلی

به باغالی نوشته خسارتی که از ترك استعمال اجناس

آستریا شده تصریح کرده اند -

§ تلگرافی از (صوفیا) دارالاماره بلغار رسیده که بعضی از جرائد ملی را عقیده اینست که اشاره امپراطور سلطان در ضمن نطق خود به (بلغار) خطی درد ناک است - بعضی را گمان اینست که ممکن این امر مورت تسطیل مخبرانی که بین باستانی و (بلغار) جاری است بشود

§ مجلس ملی انگلستان تسطیل شد و نطق پادشاه بموجب ذیل بوده

§ دولت انگلیس با تمام دول دوست است - چندین عهد نامه تازه بسته شده که مورت امتداد امنیت است امیدوارم که مناقشه (بلکان) بزودی افضال یابد و از امضا کنندگان عهد نامه (بران) دستخط منظوری فیصله امور بسامع گرفته خواهد شد - کمیونی مقرر شده ام که در شهرای ادقی تریاک در (سنگلی) شرکت نماید و بدولت چین در انتظام ترک تجارت تریاک مدد کند - بالاخر لازم شده در حدود شمال مغرب هند قشون فرستاده شود و آن قشون بتخت و فیروزی کار را انجام داد - رعایای من با کمال محنت مصائب حقیقت را متحمل اند و افسران ما در رفع حقیقت مدد نمودند و رفته رفته نزدیک است مصائب حقیقت برطرف شود - من خیلی متأسفم از اینکه در هند بعضی اشرار با مسرور من و بساطت من مخالفت نموده تا اینکه مجبور شدیم بر اینکه قانون مخصوص محقق وضع نمایم تا نفوس و اموال افسران و حکام محفوظ ماند ، ولی کایه رعایای من در هند برخلاف این مخالفت اشرار اظهار اطاعت و فرمانبرداری دارند این رو امیدوارم و لازم دیدم که حصه زیادی در انتظامات ملکی به رعایای هند داده و قانون مخصوص در این باره وضع شود - و عقیده ام اینست که آزاد رعایای من از این قانون مسرور و مشعوف شوند - قوی بحری سلطنت من اکمل از جمیع دول است ، و در قشون بری هم نظام و آراستگی دیده می شود - متأسفم از اینکه سوده مباحثه قانون تعام هنوز نشر نشده

§ تلگرافی از (کاراکس) رسیده که بسبب ناراضی رعایا نایب رئیس جمهوری مجبور شد بر اینکه

کابینه وزارت را بنوعی ترتیب دهد همه برخی وزراء از مخالفین رئیس جمهوری (کاسترو) منتخب شود § والا حضرت خدیو در قاهره افتتار دارالعلوم مصری را نمود ، وزراء و اراکین دولت و نمایندگان خارجه و افسران انگلیسی و مصری و شرقا اعیان در آن مجلس حاضر بودند

§ حکومت (بلغار) بدول اروپا شکایت ازمضون نطق امپراطور سلطان خود برده ، مظنون است که بین باستانی و (بلغار) کدورتی از این رو واقع شود § دسته جبهات زبر (اد میرل سرپرستی اسکات) از (پونس اریس) عبور نموده وارد (مونتو ویدیتو) شده - عالی بذیرانی محترمانه نمودند

§ مجلس شورای ملی فرانسه مشغول مباحثه است که در ۲۰ توپخانه پیفزاید (مسو یککروارت) اظهار داشت که دولت فرانسه از هیچک از دول ضعیف تر نیست و انتظام قشون وی از آلمان بهتر است

§ (گویند) نایب رئیس جمهوری (وینزولا) دبروز برادر (کاسترو) و همراهش را بدین حرم گرفتار کرد که آنها سازش داشتند در قتل نایب رئیس جمهوری و حکومت را متصرف شد - (گویند) (کاسترو) را ملزم به تأیید حرم نموده - و حکم نامه اسد د تجارت (کار کیو) را باطل کرده - سبب همین جلوگیری تجارت با دولت (هولاند) رنجشی پیدا شده بود - فعلاً گویا رفع این رنجش گردیده است

§ جهازات جنگی امریکا (مونتانه) و (لورته کاروانیه) رهسپار شد مظنون است در (وینزولا) رود -

§ تلگرافی از بران رسیده که داکتران تجویز نموده اند که ضرورت است به (کاسترو) عمل جراحی نمایند § مجلس ملی فرانسه در از دیاد توپخانه منظوری داد § دولت هولاند تلگرافاً خبر میدهد که حرکت چهارت جنگی در (وینزولا) موقوف شد

§ جهاز جنگی امریکا بنا بخواهش (گویند) بجناب (وینزولا) رهسپار شده مستر (پون) کشتی مقرر شده است که مسئله با اتفاق در میان (وینزولا) را تصفیه نماید

از قسطنطینیه خبر رسیده که مجلس ملی عثمانی تا در زمان در خواندن تهنیت نامه ها مشغول بود اهالی شورا خیلی اظهار خشنودی از تهنیت شورای ملی انگلستان و امیر افغانستان نمودند در تهنیت نامه امیر اظهار شده بود که برای ترقی سلطنت شرقی در هر حال اتحاد دولت انگلیس لازم است

مستراسوالسکی در تهریک آستریا بدول سابقه اظهار داشته که تبدیل خیال وزراء روس درباره الحاق بوسینیا و هر دیگونیامکن نیست - چه بین دولتین روس و آستریا تاکنون تفاق رأی واقع نشده - دولت روس رضا تواند داد به تبدیل شد (۲۵) عهد نامه برلین را که فرس و منظوری آستریا و عثمانی وا گذارد کافر س را لارم است فیصله بوسینیا را هم بخاید - یا اینکه تجویز آستریا درین مقام چه وقع است ولی دولت روس سحت گیری و خواهد نمود

مکتوب بندر عباس

بوجب خبریکه این مقله از لارستان رسیده - بیجهت ماند دریا در تلاطم و تواج لار تمام در جوش و خروش اند

سالار السلطان ولد ارشد قوام للک بحیة وصول مالیات و سرکونی آزادی طلبان از شیراز با اردوی خردی حرکت و وارد داراب گردیده تقدماً حیار آمدن لار دارد ، اهالی از ورود سالار السلطان بهیچوجه خه شوقت نیستند و میخواستند طبع شوند ، اردوی سالار السلطان از داراب حرکت کرده تقدماً یاسد فنکی از نواح لار با جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاس بید عبد الحسین سلمه که تعالی بعت نموده و غلام حسین خان (وردی) هم تعهد نموده که یاسد فنکی بدهد و از اطراف هم استمداد برای لار میرسد تا امروز دو هزار فنکی جمع شده ، و مبالغ ده هزار تومان وجه تقدیم بجز لاری از یکس قوت خود بحیة مصارف این اردو حاضر ساخته اند ، اگر سالار سلطان از داراب حرکت بسمت لار نمود حتماً معامله تجویز در لارستان پیش خواهد آمد ، اعنی از جنوب هم در جواب خیال خود نای خواهد شد (تا پور کرا خواهد و میلتی بک باشد)

در عباسی رسومات مستبدانه قدیمی جاری است ، از قبیل دلالی و حمالی و عسکه که اینها بعد از برقرار شدن گمرک فوق العاده موجب دستخط شاه مرحوم معاف گردید ، حالا از بنا شده است مثلاً یک رعیتی فقیر ده من روغن یا جنس دیگر وارد تا آن کس که دلال دیوان است حاضر نشود اذن فروش بدهد پس از آنکه دلال حاضر شد البته از ده من روغن بیست هفت من باید صاحب مال بخواهد شد ، اهالی ایچام در قید اینگونه مطالب نیستند جز هائی قیابین خودشان هیچ کاری نمیکنند یا نمی پردازند

خراسان ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۶

وقایع نکار اداره

امروز دوازده روز است بازار و دکان بسته هموم طبقات اهالی بایک جنبش و هیجانی مخصوص که تاکنون نظیر آنرا نسی نشانی نپیدمده در مسجد جامع مجتمع و برای احراه احکام واجب الاطاعة حجج اسلام مصمم ، دستخط آیات که در باب حرمت ادای طایبات بحکومت مستبدانه طالع در تمام شهر و نواحی و قصبات منتشر هیجان ملی از کلاه قاط خراسان روز بروز ظاهر حکومت ما هایت یأس و اضطراب قوای خود را در اطراف رک گرد آورده ، هرچه از اطراف استمداد و سوره میجوعد واسطه انقلاب ساط جزو اسباب فراهم میشد ، عدد سواری از قوچان مصمم حرارت مشهود شد فوراً اهالی قوچان تعطیل عمومی و طابع و حرکت ساران گردیدند در انقاب بلاد خراسان بلای بلوی مالا گرفته ، حکومت (توت حیدریه) محصور ، حکومت (مجنورد) و (درجز) فرار به آخال روسیه ، حکومت (سرخس) از جانب اهالی گرفتار و مجروح ، حکومت (کلات) متواری ، دیروز عدد از کلاه طبقات منتفخ شدند ، در همین ساعت که مشغول نگاش این و رفاه ام خبر آوردند که عدد کتبری از طلاب مدارس کف در گردن با هیئت شور انگیزی در محس عتیق و مسجد گوهر شاه حرکت میکنند حجة الاسلام زده خراسانی بندگان آقا میرز محمد سلمه که تعالی در مسجد با سایر علماء خراسان مجتمع و مجامعین ملی مسلح از اطراف روز بروز برای معاونت ملت قوای

ماده و منویه میرسد امروز شش مراده مجاهدین از قفقاز وارد میشوند برای جلوگیری از آنها از طرف حکومت سطلی به قونسول گری روس نوشته شده ، قونسول دیشب جواب داد که چون مشهد مرکز اجتماع و نقطه زیارتگاه شیعیان است اهالی قفقاز را نمیتواند از دخول و ورود طامع شود ، قونسول روس و انگلیس مکتوب ذیل در روز نامضاء عموم علماء و نمایندگان طبقات اهالی ارسال شده است

سواد لایحه رؤسای طبقات ملت خراسان

(به روسولگریهای روس و انگلیس)

جناب نجات مصاب عالی جنرال قونسول دولت محیمة انگلیس - و دولت هیمة روسیه دامت شوکته را با کمال احترام اظهار میشود -

الین خاطر محترم عالی مسبق و مستحضرات بر اینکه مملکت ایران قبل از حلوس اعلی حضرت محمد علی شاه بعموم دول و مال دنیا مشروطیت سلطنت معرفی شده و ملت ایران سلطنت محمد علی شاه را به این شرط قبول کردند که موافق قوانین اساسیه حاضر در مجلس شورای ملی حاضر شده به بعد قسم بقرآن (کلتو) تو بیون) ایرن را تصدیق و قوانین اساسیه را نگهبان و حفظ حدود معینه مشروطیت را متعهد و معترف بود ، باشد .

افصال مجلس شورای ملی در ۲۴ ژوین (۱۹۰۸) علاوه بر اینکه بکلی مخالف بود با همان قوانین اساسیه که سجل سحت و قلوبت آن به تصدیق و انحصار عموم ملل دنیا مسجل گردیده است با دو نکته بزرگ نیز کمال مناسقات را داشت - اول اینکه این افصال مخالف بود با قوانین مذهبی و تکالیف دینیة تشیع که مذهب رسمی ملت ایران است - دوم اینکه مفاتی بود با مستدعیات عرفیه و حقوق دنیویة اهالی ایران . مستبدین با اظهارات اشتباه کاره خاطر خطیر ملوکانه را ازین دو نکته اهم قائل ساخته بودند - اینک اشتباه اول محکم محکم و احاطة اطاعة رؤساء روحانی مذهب تشیع بر لزوم مذهب قوی مشروطه مندفع ، و اشتباه ثانیه بیچون ملی عالی و اتقای عموم طبقات به استرداد حقوق ملیة خود مرفوع گردیده تدلیس و تلبیس مستبدین مخالفین ظاهر شده هیچگونه عذری براسیة افصال

شورای ملی اتق نماید

لذا عموم ملت خراسان بر حسب قوانین ملی و مذهبی انجمن ایالتی خراسان را منعقد نموده جناب اجل عالی را ر این اقدامات مشروعه ملیة مستحضر میباشد در انجوع روابط و داد و محبت ملت خراسان با رعایا و نمایندگان دول متعاهه پیش از پیش منظور و در حفظ املیت عموم کمال سعی را کرده ، خواهاند مسکرد - فقط از جانب حکومت محایه اگر اقدامات خارانه برای جلوگیری از مقاصد معقوله ملت اشود که شاید اسباب اختلال اوضاع املیت فراهم سازد بر شخص محترم عالی است که او را از این مسئولیت بزرگ بیگانه کنند (عموم طبقات ملت خراسان)

جبل المتین

بموجب خطوط الحیره که از خراسان با اداره رسیده حضرت ولا رکن الدوله شخصاً بحضور مبارک علمای اعلام آمده اظهار داشته است که در عمل خواهشات ملت همه گونه حاضر و هیچ لازم و تقن دکان و بازار نیست ، ازین رو محکم حضرات علمای اعلام بارار و دکانها باز گردیده رؤسای ملی مشغول با اقدامات مجدانه هستند ، ولی مقیده ما گول ربان چرب و نرم رکن الدوله را خورده اند ، ما بودن حکومت شاه در خراسان مقاصد ملی بطریق کمال انجام پذیر نتواند شد ، بیچنین که دو باره اهالی خراسان مجبور با حری قوانین ملیه شود پس از آئیک حکومت هم قرای خود را تکمیل نموده باشد

تذکرات شیخ ناری و امام شنبه طهران

بجمع بلاد ایران

حنان مستطمان علمای اعلام دامت برکاتهم چند روز قبل در تذکرات و اعلام اصراف خاطر مبارک هاپوی خلداده ملکه و سلطانه را از مجلس دار الشوری عمومی و بشارت نشر عدالت و بسط معدنات از طرف قرین الشرف ملوکانه دادیم ، الیوم صکه چهارم است بمحاده تعالی دار الصداقه مبارکه مظهر نیات مقدسه طسروانه در نشیید شریعت مطهره نبویه صلی الله علیه و آله و زوج جنبه احکام اسلامیة و اعانة مظلومین و به تمهید و سایل آسایش عموم طبقات رعایا و برایا

و عنان اختیار ایشان را از هر جهت در دست
یکتفیری که از همه جنبیت پستتر است داده و بیمل
شخص او واگذار نموده تا هر نوع که دلتخواه اوست
نسبت با آن رفتار کرده و معامله نماید

و در هر دو صورت شخصی که رئیس جمی گشته
وامور ایشان را اداره میکند هرگاه بخواهد بر حسب
میل و اراده خویش و از روی هوا و هوس یا از
طریقه انصاف و لطف عدالت بیرون نهاده و دست ظلم
و تعدی بجهان و مال مردم دراز کند البته بحکم عقل
و فتوای شرع آن جهات حق دارند تحمل جور
نموده بر ضد و بر مقاومت نموده بهر قسمیکه توانند
دست تسلط او را کوتاه و شر وجود وی را از سر
خود رفع کرده دیگری یا دیگران را که مناسب دانند
بجای او منصوب و برقرار نمایند

ری استمرار و بیداری خاندان سلطنتی لازم است
که نیات و اعمال سلطان بروفق قوانین عدل و داد
و طبیعت وی از هر گونه بدخواهی و ظلم عاری و بری
بوده تا سلطان مقدس و پادشاه محترمش خوانند
ولی هرگاه سلطان ملاحظه قانوت اساسی یعنی
قانون عدل و داد را ننموده و از حدود معینه تعطلی
و وزیده قوانین و حدود بشریه را که هر فردی از
افراد سهم و مجبور بحفظ آن است باعمال نموده و از
میان بردارد در این صورت برای چنین سلطان اساس
وقع و احترام خراب و مبنای تقدس وسیع منهدم
گشته از هر نوع خائنکار روسیاهی پستتر و جلوگیری
از اعمال وی لازم بلکه در صورت ناچاری دفع وجود
او بر هر فردی از افراد حتم و واجب عینی میشود

بر حسب عقیده کل ملل و بتصدیق و تصویب جمیع
دول مطالبه حق یعنی ایستادگی بر ضد ظلم و در موقع
لزوم دست با سلحه بردن از تکالیفات مددسه هر ملتی
است که بخواهد مراتب قانون عدالت و شرافت خود
را بدست آورده داخل در حوزه تربیت و تمدن باشد

هر گاه در مقابل قوه ظلم حسن ملیت موجود
نبوده و ایم مختلفه ظلم در هنگام لزوم بمقام مدافعه و

تقل از رساله مطبوعه

الحق یملو اولاً یعنی علیه

حق دفع شر

و قیام بر ضد ظلم

و قیمت این نسخه

(که آخرین چاره و اولین دواى)

درد بدبختی ایرانیان است

(جنبش قلبی خوانندگان و تحریک حس ملی)

ایشان است

از همه کس نمای تجدید طبع و انتشار آنرا دارد

هو الغالب

حق دفع شر

(چه وقت است که یاغیگری و شورش)

حق و مقدس میشود؟

در نزد ارباب علم هویدا و در انظار صاحبان
بیداست که هر ذی نفسی تا حدیکه محروق
بیکران بر نخورد حق دارد در مقام جاب دفع و دفع
شر از وجود خود برآمده حق المهور نگذارد حقوق
طبیعیه وی باعمال و مستهلك گشته اقدام در حفظ حق
و قیام بر ضد ظلم از تکلیفات ضروریه هر فردی از افراد
ناس است

و همچنین هر ملتی که خود را اسیر جنگ استبداد
و در تحت فشار ظلم و بیداد دیده احساس بزجر و
اذیت خویش نماید البته محق است که جنبش و مقاومت
نموده بساط ستمکار را بر نمویکه تواند برجیده اساس
عدل و داد را بجای آن برآورد و برقرار نماید

اهالی يك مملکت یا آن است که بنا بر تشبیه
معروف مانند گوسفند و شخص حاکم منزله چوپان
و یاسبان ایشان است و در این صورت همه کس شنیده
و میداند گوسفند از برای چوپان نیست بلکه چوپان
برای خدمت اوست یا آنکه چنانچه مطابق واقع و
ض الامر است اهالی يك مملکت و افراد ملتی را نباید
مانند گوسفند و جزه بهائم فرض نموده زمام امور

و حفظ حقوق خویش و میآیند یقیناً افای از مال روی زمین که امروز زنده و شرافتمند جز اسم تنگ آبریز چیز دیگری از آنها در صفحات تاریخ باقی نمانده و مدتها بود که نام و لیاقت فعلیه خود را از دست داده و کم کرده بودند.

حق مقاومت و هجوم قومی بر ضد حکومت مستبده شبیه بحق جلوگیری از اعمال بکفر شربری است که تجاوز بحدود دیگران کرده و همان قسم که شخص در هنگام مهاجمه و گرفتاری بیچوجه نباید صرف نظر از وجود خود نموده و در غایت بی‌حق جبارا تسلیم قاتل نماید بهمان طور یک مای نیز نباید در کمال اطاعت و اقتیاد تن زیر بار ظلم و استبداد داده تحمل ذات و مشقت نماید.

اعالی هر مملکت و مردم هر ولایتی چه مفرداً و چه مجتمعاً حق مقاومت و هجوم رخصد ظلم داشته هیچ حکم و قانونی نیست که حمایت از این اقدام مشروع نموده و این حق ثابت بی‌شک را باطل نماید.

از از منته قدیمه حق مقاومت و هجوم ملت بر ضد سلاطین جبار همه وقت ثابت و مسلم بوده اعالی هر مملکت و قبیله حکمران ایشان یا از لحاظ عدالت بیرون نیامده و دست تعدی و میکشاد و پرا گرفته و حبس نموده دیگر برآیند حکومت نشاند بلکه اغلب بی‌مزل و حبس نیز اکتفا نکرده حق داشتند که بحکم قانون محاکمه نموده و مجازاتش دهند.

در تمام شهرهای یونان مجسمه و میکل اشخاصیکه جان خود را در راه آزادی وطن و حریت هموطنان فدا می نمودند زیست بخش معابد و اماکن شریفه قرار داده احترام اینگونه مجسمهای غیرت را از جان و دل سر می و همه وقت منظور میداشتند.

ایرانیان قدیم همیشه از ظلم حاکم خود سر بیستوه آمده و هر صه بر ایشان تنگ میشد جمعیت نموده و آن جبار ستمکار را بزور از زیر تخت بزر کشیده

دیگری را که مائل باجرای قوانین عدالت بود بر مسند حکمرانی نشاند و بسطتتش میخواندند.

افسانه ضحاک را همه کس شنیده که چگونه آن ناپاک را طاقبت ایرانیان بخاک هلاک در انداخته و فرمیدوزنایاوج سموات برده اردو آن ظالم را مقبول و اردشیر نامکارا پادشاهی قبول کرده با خسرو پرویز نیز همین معالجه را نموده و پس از حبس و قتل تاج و تخت سلطنت به پسرش شیرویه تسلیم شد.

و کلیه هر وقت پادشاهی از خط مستقیم عدالت منحرف گشته و در طریقه معوج ظلم یا مینهاد فوراً در مقام اعتراض برآمده و اگر به نصیحت وزرا و بدان گوش نداده و ترک اعمال سینه نمی نمود نکلی چشم از او پوشیده و مطلوب الاحتیاطش مینمودند.

اگر خواسته باشیم اسامی پادشاهان ظالمی را که از عهد قدیم تا بصر جدید ایرانیان کشته و معزول کرده یا از مقام حکومت رانده و تبید شان نموده اند همه را در اینجا نوشته و شرح دهیم مقاله زیاد طولانی گشته همینقدر متذکر آن بشویم که در قرون اخیر و نزدیک زمان ما پادشاهی ذیحجایی مثل ادر شاه افشار را با وجود آنچه اقدامات شایان و فتوحات نماییکه در صفحه روزگار از خود بیادگار گذاشته و بلا اضرار نجات دهنده ایران و زنده کننده تاج و تخت ایشان شده بود بعضی آنکه دست از شیوه عدالت بر داشته بنای ظلم و ستم را نهاد نتوانست از جنگ انتقام گریخته شبانه در طبعه اش ریخته و خویش را بخاک هلاکت در آیدند.

چندی پیش پس از وی طول نکشید آقا محمد خانیرا که بانی این سلسله قاجار و سر منشا این همه بد بختی و ادبار بوده بکلیض اعمال وحشت انگیز و افعال قساوت آمیزش رسانده و صفحه کیتی را از وجود او که مبدعه یستی و مصائب حالیه ایران و ایرانیان است پاک کرده و بر فاختند.

نموده و در صورت عدم رعایت مات حق دانست سلطان وقت را عوض نموده و کسی را که لایق باشد بجای وی منصوب نموده یا طفل کوچکی را محس نرضیه خاطر و نسکین خیالات موهومه مردم باسم سلطنت خوانده سر رشته اعمال را در دست کفایت مردمان مطلق داده تا کارها از روی قاعده و نظم اداره شده و بر وفق قوانین مقرر رفتار شود.

تمام سلاطین عسارتار (از آندره دوم تا بقر پاول) حق مقاومت و هجوم ملت را تصدیق داشته و باین قسم قسم یاد می نمودند که هرگاه ما یا هر یک از اختلاف ما نخواهد برخلاف احکام قانون اساسی رفتار نموده و بر ضد حریت عملی از ما یا از آنها صادر گردد رؤسای روحانی و اشراف و اعیان و کاتبه خلق مملکت و رعای ما چه منهدأ و چه مجعماً حق دارند بر ضد مساومت نموده از احکام و اوامر ما و اختلاف ما سر پیچیده و رو بر گردانند.

در هولاند و بوم و اسکولند و بسیاری از ممالک دیگر فرنگستان این حق جاری و معمول بوده در قانون اساسی که دولت فرانسه در صد و یست سال قبل یعنی در سال (۱۷۹۱) میلادی ایجاد نمود محضاً ما این حق را برای هر فردی از افراد در حزه ساز حقوق بشریه بر قرار کرده و اعلان نمود.

و در قانون سال ۱۷۹۳ این حق را مشروطتر و مفصلتر توضیح نموده از جمله آنکه حق مساومت انسان بر ضد ظلم و استبداد نمره و نتیجه سایر حقوق بشریه او است و هر وقت حکومت بخواهد سرمنش از حدود قوانین مقرر تجاوز نموده منحصراً حقوق ملت گردد عصیان و طغیان از جمله وظایف مقدسه و شومند و یاغیگری از تکلیفات ضروری هر فردی از افراد است. زیرا که حکومت مستبده حق مطاعبت خود را از دست داده و گم کرده است و در این صورت هرگاه بر ضد وی مقاومت نموده و مخالفت ورزد از روی حقانیت و از لوازم ظلم انسانیت و تربیت است.

قضیه ناصرالدین شاه و نتیجه آنها حلو گریهای وی از علم و تربیت و کیفیت بنجاه سال سلطنت او را که جز حفظ نفس خود و بستن چشم و گوش مردم چیز دیگری نبود همه کسی دیده و دانسته و مال حالش معلوم بوده حاجت نوشتن نیست.

بالجمله در هر عصری عنلای هر قوم حق شورش و قیام بر ضد ظلم را محفوظ و محقق دانسته و برای نگاهداری مصالح جمهور واجب و لازم شمرده اند.

معروف است که خلیفه ثانی روزی بالای منبر فریاد کشیده و گمت: ایها الناس من راسیک فی احوالک فلیقومه و هر یکی از میان جمع بلند شده و شمشیر خود را کشیده گفت: یا امیرالمؤمنین اگر ما در تو انحراف و کجی از خط قانون ملاحظه کنیم فوراً آنرا ما شمشیرهای برده خود اصلاح نموده و براه راست وامبداریم. خلیفه گمت شکر میکنم خدا را که در میان امت پدید می آید کسانی که احوال را بادم شمشیر اصلاح نموده و درجاده استقامت نگاه میدارند.

تفصیل هجوم بر ضد عثمان و قتل وی و عزل و حبس چندین تن از خانهای میامیه و بی عباس و غیرهم معلوم و در جمیع کتب تواریخ مضبوط و عبارت در کل سانس معلوم و معروف است. جز آنچه پیشتر از مورخین من جمله (بیوطی) در تاریخ الخلفاء میگوید که از فرائب اتفاقات و تصادفات اینست که در اقل سلسله های خلفا و سلاطین اسلام هر شش از سلطنت معزول و مسئله کل سانس معلوم تقریباً از قواعد مطرده تاریخی شده است.

سلطان عبدالعزیز پادشاه مراکش نیز که در این اوقات از سلطنت حاکم شد گویند ششمین پادشاه این سلسله شرقاً بوده و محمد علی شاه نیز ششمین پادشاه قاجار است. در هر صورت حالیه از مراتب نفال و نظیر قطع نظر کرده و بذکر مطلب میپردازیم.

اغلب حکمرانان قرمن وسطی حرمت و رعایت حریت را بصیغه قسم نامین و بشرافت خویش تصدیق

و مطابقاً در مقابل سلطانی مستبد و زور مند
خاصی ملت حق دارد که از مراتب قانون و حساب
نیز خارج شده و بر طبق این مسئله که جواب زور
را زور باید دهد تا هر حدیکه میتواند در استرداد
حقوق خویش اگر چه بطریقه زور و ظلم باشد
کوشش نماید.

کلیه چون مایه توسط نمایندگان قانونی خود
وضع قوانین نموده و قوه اجرائیه را از طرف خود
بدست حکمرانی دادند که قوانین موضوعه را اجرا
نمایند البته لازم است که آن شخص بحری مالک قدرت
و نفوذ بوده و تا حدیکه قانون محدود و معین کرده
است مقتدر و مسلط باشد، ولی او هیچوقت نباید این
قدرت را صرف ظلم و تعدی زیر دستان نموده بلکه ملت
بایستی مواظب و مراقب اعمال و افعال آن شخص بوده
و درجه رعایت و برا نسبت بقانون اساسی همیشه در نظر
داشته، بعضی آنکه دید حکمرانی بنای طبانت و
خلاف را نهاده فوراً او را از مسند حکومت خارج
نموده و آن قدرت را از وی باز ستاند.

زیرا که باوجود ملاحظه خلاف و حیانت دوباره
خان و خلاقکار را بر سر شغل باقی نهادن و سلب
قدرت از وی نمودن عبارت از اضمحلال و استهلاک
آن ملت است.

در سال ۱۶۸۸ میلادی وقتیکه که ژاک دویم
انگلسان بنای مخالفت و ضدیت را با احزای مجلس
پارلمنت و نمایندگان ملی نهاد ملت انگلیس او را از
سلطنت معزول و گیوم سیم بر سر درانژ دادش را
ججای وی منصوب نمود.

در فرانسه گروهیک ابتدا بر ضد هاری سیم و
بعد بر ضد هاری چهارم برخاسته و راه طبانت
پیمودند چنین اعلان کرده بودند که هر سلطانیکه لایق
تاج و تخت نبوده و قانون حکمرانیرا نداند ملت حق
دارد او را انشاخته و سلطنتش را قبول ننماید.

حالت قیام انگلسان مدت چندین سال در مقابل

شارل اول و طبیان و هجوم فرانسویها بر ضد لون
شانزدهم همین مسئله بوده که یکی راه تعدی و ظلم
پیموده و دیگری لیاقت شغل سلطنت را نداشته و بدین
جهت ملت از روی حق آنها را معزول کرده و بحکم
قانون محاکمه و قصاص نمود.

مختصراً این حق ثابت شروع را که عبارت از حق
دفع شر و از وظائف اصلیة انسانیت است باید در
قانون اساسی و نظامنامه هر حکومت متمدنه در فصل
مخصوصی نوشته و قید نمود، لکن عقیده ما بهتر آن است
که بجای نوشتن بر صفحه کاغذ بلوح خاطر و زمینه قلوب
محکوم و در ادهان و عقاید جایگزین گردد تا بمراتب
انوی و بدرجات کثیره مفیدتر باشد.

و هرگاه بخواهیم دلایل اثبات این حق و شواهد
آرا ذکر کنیم سخن بعد اطباب کشیده و چندین مجد
کتاب کفایت شرح آنرا نخواهد نمود، همین قدر اطلاع
بر این نکته لازم است که هرگاه جنبش و هوری
مؤدی بحصول نتیجه گشته و ملت مقصود و مرام
خویش نائل و موفق شد همه کس آنها را انقلاب یا
رولوسیون نام نهاده و از جمله حرکات صحیحه و اعمال
پسندیده دانسته تمجید و تحسین مینمایند.

ولی هرگاه مقصود حاصل نگشته و منظور ملیین
بعمل نیاید در اینصورت مخالفین قانون و عدالت آن
حرکت را عصیان نامیده قائلین و طامین را در عدا
شورشیان شمرده و از زمره طامینان و یاغیان محسوب
میدارند.

وقتیکه ملتی در مقام اقدام باین حرکت برآمد
و برای مدافعه آزادی خویش قیام مینماید باید از طرفی
آن از ظلم و استبداد مدکاران بشدت واضح و از طرف
دیگر اسباب پیشرفت کار باندازه موجود و فراهم
بماند که مستبدین نتوانند در برابر هیجان ملی اشتباه
کاری و مقاومت نموده آنها را ساکت و خاموش نمایند.

و مخصوصاً برای اینکه اقدام خلق و قیام ملت
منجر بحصول نتیجه خیر شود باید قبل از وقت حلیال

حریت و فوائد عدالت را در میان مردم منتشر نموده و تانج و خیمه ظلم و استبداد را از پیش بگوش هرکس خوانده و فیهامه مرکوز اذهان داشته و قلوب عامه را طایل بازادی و طالب عدالتخواهی کنند.

فلاسفه عصر هیجدهم قبل از ظهور رولوسین کیر فرانسه ابتدا افغان مردم را از افکار طالبه پر نموده و عشق آزادی و عدالت را در قلوب ایشان انداخته و حروب متمکن و جایگیر ساخته و بعد از آنکه سوه طاقت استبداد و وخامت ظلم و شذات جهل را باقلب مردم حالی کرده و بضربتهای متبادله متوالیه اساس جور و نادانیا بدرجه کافیه مرتض نمودند تا یکدفعه اندک حرکت و هجوم مختصری ریشه آن از سیخ کنده و بپاد فنا داده شد.

مشروطه طلبان دوات عثمانی نیز قبل از وقت اذهان و قلوب عامه و مخصوصاً صاحب منصبان نظامی و لشکریان را که همده قدرت در دست ایشان بود از عشق ترقی و سودای حریت پر کرده و آنها را باملت برستان همدمت کرده بعد از آن یکدفعه خروج نموده و کار را انجام دادند.

و باید دانست که بهترین انقلابات اقلای است که در پایتخت مملکت ظاهر گشته و قیام بر ضد ظلم از آغما شروع نماید، چنانکه اگر بجای این سه ماه استادگی و اینهمه مردانگیهای غیرمندان و مجاهدین تبریز فقط سه روز در طهران مقاومت نموده و مانند اهلی آذربایجان طاقت بینی کرده منداری از حیث و غیرت ملی خود را بروز میدادند بقتناً منجر به نتیجه بیک گشته و در کمال سرعت مقصود بچنگ میآمد.

آیا مات ایران در روز سه شنبه پست و سیم شهر جدای الاولی سنه ۱۳۲۶ با آن حیا و هو و صد های شبک توپ و تنگ باز از خواب غفلت بیدار و از مسق جهل هشیار نگشته و ملتفت نشده است که کار بجای باریکی کشیده و موقع بسیار تنگ شده، هرگاه واقفاً اقدام فوری بر ضد ظلم نمیکرده و در مقابل

استبداد صکه با کمال شدت شعله ور شده است جمله و هموسی بیورد نه فقط ناموس و عزت ابرایان در مورد اهدام و زوال است بلکه بعد از این در اظهار جمیع ام و ملک تا حدیکه پیش از آن تصور نشود خوار و دلیل گشته آنجزئی اسم و اعتبار تاریخی هم که تا کنون داشتند از میان رفته و تکذیب خواهد شد.

بدیجی است که با این اوضاع فسلبه ملای که نا محال خود را بجاقت معرفی نموده و بزکات شهرت یافته بود بعد از این پست ترین اسما بخود نهاده ضرب لثقل بجسی و سر سلسله بینیران محسوب گشته در رشته جهل و بدنامی اعلی مرتبه را دارا بوده و داغ پشرفی بر حبه نهاده رود کارشان تپاه تر از حال گدایان بهود شده اسم ایرانیگری بدترین لکن خواهد شد که روی شخص نهاده شود.

اشخاصیکه دارای بعضی قدرتها شده مثلاً مطالب حقه خود را میتواند بدون هیچگونه ترس و وا همه گفته اندیشه و مایکی ندانته و با کمال وضوح عقیده خود را در باب ابران اظهار میکنند تا صدای بلند فریاد رده و میگویند.

صکه امروز حالت اصلی اینهمه مفاصد و بالاترین بدبختی ابران وجود یکنفر است و آن یکنفر شخص محمد علی شاه است که موقع را بچنگ آورده بینی از طرفی دل سردی مردم را نسبت بمجلس که فی الحقیقه بحریکات او بعضی اقدامات بیوقع نموده بود کاملاً احساس کرده و حوشوقت شده از طرف دیگر بعضی خیالات و عقائد را که تا حدی مانع از انجام بعضی مطالب توانستند باپمال نموده و دفقه مکنونات خاطر و فطرت خویش را بروز داده تا حدیکه بحکم علما و پیشوایان روحانی که از دین رسی و هموسی ابرایان نیز خارجش نمودند ابدأ اعتنا نکرده (کلم لم یکی انگاشت)

رشته که او را بملت وصل نموده بود بکلی بریده و مقطوع و بواسطه اقدامات وی طوری شد که اگر این بکجزئی مقاومت تهریزان نبود مشت ابران و

امروز روزیست که حیات ملت و استقلال ناموس و مذهب و بقای عزت و شرف شماها تماماً در معرض خطر و در شرف زوال است .

امروز روزیست که روح ایران و وطن مهربان شما با ناله جاسوز فریاد زده و میگردد و ای فرزندان من ، ای منتسین بن آب و خاک ، ای پیروان مذهب جعفری ، دینداری و غیرت شما چه شد ؟ تشیع و محبت شما بکجا رفت ؟ ای زادگان این مرز و بوم جنبش نموده هر نحویکه ممکن و مقدورتان میشود مرا از دست این دشمن جانستان که زور مندی او در مقابل همت و قدرت شما هیچ است برهانید .

امروز روز همت و مردانگی است ، امروز روز محک و میدان امتحان است ، امروز روزیست که صادق از کاذب شناخته شده و سید از شقی تمیز یابد ، امروز روزیست که برده از روی کار برداشته شده طبیعت و باطن هر يك از شماها آشکار شود ، امروز روزیست که معلوم میشود شیعه بودن فقط محض اسم دروغین است یا فی الحقیقه نتیجه و اثری نیز باید داشته باشد .

با اینهمه بدبختها هنوز ابواب سعادت بر روی شماها بار و بیهج و حه حق مایوسی ندارید اختیار وطن و محبت آن در دست خود شماها است
و امه و نرسی را که مبنای صحیح نداشته و فقط منسوب بانقباهکاری یا محمول بر اعمال کاربهای خودتان است کنار نهاده یقین داشته و بدانید که دولت روس و انگلیس ابد اکار بکار شما نداشته و مداخله در اعمال داخلی مملکت نکرده و نخواهند کرد .

شماها و دشمن شماها را در این قبیل موانع بحال خود و گذار کرده و منتظر و قنند که تا کدام يك از دو طرف ظفر یافته آنوقت مغلوب را تکذیب و غالب را تحمیل نموده و در هر حال فقط منافع ثروتی خود را حفظ کند .

ایران بکلی بازگشته ذات و رنگ این یکدسته مسلمانان در برابر انظار خارجه بدرجانی میرسید که ما اوق آن در تصور نیاید .

املیت مسلوب ، اموال منسوب ، مذهب باپال ، جانها در خطر ، خانه ها قارت ، اشراف و تربیت شدگان محبوس و مقتول یا آواره گشته ، مکانی که فرقه شیعه آرا خانه خدای خود میدانند محل بستن سوز شده عکس آن را بر داشته اینک در روز با محبت مصور فرنگستان بنظرها رسانده دینداری و غیرتندی ایرانیان را نشان میدهند .

ر همه عکس واضح است که قلب ما حیت و تغییر طبیعت محال و تا این شخص بر مسند حکمرانی نشسته و اسم سلطنت شش هزار ساله ایران را بر خود بسته است همه روزه افشاشات و حراپها بعمل آمده کارهای ملک و ملت اصلاح نگشته و امید خیری باقی نخواهد بود . در جین این شقی نور رستگاری نیست .

تکلیف واجب مردم امروز این است که همگی یکدل و یکزبان گشته و یا فرداً فرد در این جاده جابجایی کنند که و دیه ملی یعنی سلطنت را از او باز ستانده و قوه اجرائیه را همه وقت امانتاً در دست کسان بسپارند که در امانت حیانت نکرده تا بتوانند از ذلت و محنت خلاص شده و نگذارند ضرب القتل تمام دنیا واقع گشته اسم ابرانیگری و شیعه بودن اسباب جلب پیشروی و نوبین باشد .

ای اهالی طهران ، ای مردان عراق و بزد و کرمان ، ای شجاعان شیراز و سیستان و خراسان ، ای وطن پرستان گیلان و مازندران و همدان ، ای شیعیان قم و کاشان و اصفهان ، ای غیرتمندان کرمانشاه و کردستان و لرستان ، ای شیرزمان این بلاد و بلاد دیگر ، آیا میدانید امروز چه روزی است که شماها از اثر ترس و هراسی که فی الحقیقه واقفیت ندارد چنین ساکت نشسته و در حالت پست و بجزرکتی فرو رفته اید ؟

اکنون وقت عمل و موقع کار است که در مقابل ظلم قیام نموده و در مطالبه حقوق سیاسی خود آفرین می و اهتمام خویش را بکار برد تا چنانکه حتی و سیاسی است قانع آمده آنوقت تمام ملل عالم از شماها تعریف و تمجید نموده و زبان مدح و ستایش شما را گشوده این آثار را که فرسای طول میکنند تا موقع بروز آنها بدست آید در صفحات تاریخ یادگار نهاده اسم بی بی از افراد خود را شهره آفاق نماید

این اشتباه عظیم را از سر بیرون کرده و مطمئن باشید که هیچ دولت دیگری در مقام جلوگیری و ممانعت از این حق مشروع شما بر نیامده و نخواهند بر آمد. مخصوصاً در صورتیکه فریاد داد خواهی از اغلب نقاط ایران بلند شده و بعضی از آثار تبریزیان در سایر ولایات نیز بروز نماید

اگر اطرافیان عهد عیشیه امر را مشتبه کرده لباس قزاق پوشیده و می پوشانند تا همچو بخرچ داده و الفسانانند که دولت روس در عقبه با ما همراه و مدکار است شماها فریب این حیل و تزویر را نخورده این توپ و تشر و اشتباهکار را ادا اعتنا نکرده و طاعت کوفیان بشنیدن این کلمه که لشکر از شام خواهد آمد دست از محور حق و قانون برداشته و محقق بدانید که قتل صاحب منصب خارجی فقط بحکم آنکسبکه اینک روسای مذهب عیسای او را خارجی خوانده و از بیگانگاش میدانند با شماها جنگیده. و اینک از طرف دولت متبوعه خود چنین حکمی باو رسیده یا روسها برای گرفتن ایران هرگاه نخواهند یا بتوانند محتاج بان نوع اسباب جینی و بعضی تدبیرات باشند

دلهای خود را محکم نموده و حرمت خویش را متلبه ساخته حلیر و حرکتی کرده بکلی از هر گونه اندیشه ویم معری و مبری باشید. الآن چشم تمام دنیا ناظر باعمال و اطوار شما و گوش جمیع افراد ملل ملتظر شنیدن اخبار شما است

بیدار اهالی تبریز چگونه گوی شرافت و افتخار

را روبرو و بیخشان و مقام ستار خان و باقر خان و سایر جانبازان بجه درجه بلند شده آوازه نیکنامی و شجاعت ایشان تمام عالم را گرفته بجه های کوچک فرنگستان اسم شازا دانسته و عکس آنان را شطاحه بیکدیگر نشان میدهند

تا زود است دیال رفتار ایشان را گرفته و نگذارید برخلاف آنچه از فرقه شیعه و نژاد برای منتظرند بروز نموده و بکلی رسوا شوید

باری امروز ساکین تمام کره ارض و صفحات تاریخ روزگار منتظرند که نتیجه اقدامات شما را دیده و نوشته و مشاهده میکنند که در این شدت بحران و حدت غلاب چه قسم رفتار کرده مال حل و عاقبت امر خود را بجه نقطه ملجئ خواهید نمود ؟

و بالاخره امروز وطن از فرد فرد ایرانیانیک در داخله یا در خارجه هستند متوقع است که هر یک تکلیف خود را بعمل آورده و در استرداد حقوق خویش هر نحویکه تواند کوتاهی و مسامحه نمایند

حجیات ادبیات

آثر خامه مخبر سیار

- و که جهان گشته است هنوز هم روزگار
- سلب ز ایران شده است حشمت و جاه و وقار
- اثر نامه بجای ز شوکت و اقتدار
- محو ز جا گشته است آنکه بدی یادگار
- (ز جور دوستان برفت سبر و شکب و قرار)
- صفحه ایران مگر یکسره آتش شده است
- مملکت کی جهان طاری ز دانش شده است
- ظلم و دغل هر طرف رو بفرایش شده است
- مستبدی خرد گرم نمایش شده است
- (بپهد گویان دوز بجز از عیب و عار)
- ز ظلم قاجاریان یکسره ابرانش برفت
- ز کفر و تزویر شان کشتی امان شکست
- گرد بلا سر بسر بروی مردم نشست
- جفا و تلبیسشان باب خلاصی و پست
- (تمام ایرانیان شدند خوار و نزار)

- § نام ایرانیان شدند خوار و خمین
 § کرور ما مالشان رفت بکف مشرکین
 § (صرف فواحسن باشد جمیع قد و عقار)
 § در این اواخر می قلوب مشیار گشت
 § نفوس ایرانیان ز خواب بیدار گشت
 § وطن که بیچار بود اندکی تیار گشت
 § مطالب حل و عقد فاش جو اسرار گشت
 § (چونکه نبودی بجای طساق و صبر و فرار)
 § اساس مجلس جو در خطه ما شد پدید
 § منافع ملک و خلق گشت مداماً مزید
 § حقوق مردم می بجای عالی رسید
 § مفاسد مملکت خواست شود بپدید
 § (نور عدالت بشد منتشر و آشکار)
 § و لیک درباریان که جله ترسان بدید
 § ز خوف اهلشان همیشه بالان بدید
 § برای تخریب ملک یکدل و یکجان شدید
 § برصه شریک و کفر دواسبه پویان شدید
 § (چرا که با عدل و داد نبود شان اقتضار)
 § بی حرد ساده لوح دست ستم باز کرد
 § بملت و ملک خویش طرح جفا سار کرد
 § با ستمهای لعین مشورت آغاز کرد
 § نفوس ایرانیان بنده ایبار کرد
 § (چونکه نبودش بدل ترس ز پروردگار)
 § اگرچه ایران کلون بیکس و بیچاره است
 § قلوب ایرانیان ز درد صد پاره است
 § جوقة مشروطیتان از وطن آواره است
 § لیک بنزد خدای علاج و هر چاره است
 § (بین مدد میرسد از طرف کردگار)
 § اساس هر دولتی ببدل شد برقرار
 § نظم و عدوان نکشت مملکتی بیدار
 § بنزد ارباب عقل نکته بود آشکار
 § که ملک نتوان شود بجزور و ظلم احتکار
 § (بجز ز قانون عدل چشم امید مدار)
 § اگر که سلطان عصر صاحب غیرت بود
 § و گر که در قلب وی عرق حجت بود
 § بملت و ملک خویش لطف و معیت بود
 § تمام شان و جلال ز بس رعیت بود
 § (بدون رعیت نماد تاج شهبان برقرار)
- § نامی آن گروه شدند مست ضرور
 § بملت و مملکت سکرند انواع زور
 § بجان مردم شدند بساط کلب ضرور
 § زجاده عدل و دین شدند مهجور و دور
 § (مرحم بر خلقشان نه شرم از کردگار)
 § آنکه رمام امور بدست اشرار شد
 § عالم اسلامیت سکر شد و نار شد
 § مفاسد مملکت نهان جو اسرار شد
 § بلاد بحر خزر بدست سگفاز شد
 § (خوب بیفکن نظر بپدیده اعتبار)
 § جو ظلم و بیداد شان طریق عدوان گشاد
 § صفحه ایران تمام گشت خریق فساد
 § ز سکنرت یهودی و غفلت بد نهاد
 § هرات و افغانستان بدست افغان قباد
 § (نمانده از هر ما دیگر شکوه و وقار)
 § زیبکه جام شراب صبح و مسا خورده اند
 § خزینه مملکت صرف هوا سکرده اند
 § هرض و ناموس خلق صد جفا برده اند
 § هراق و سمت جنوب هم رقتا برده اند
 § (هنوز خواهند برد قسمتی از این دیار)
 § مملکت کی نگر چه خوار و مقهور گشت
 § علامت هنر و جاه مغنی و مستور گشت
 § شمع درخششان ما خامش و بی نور گشت
 § قلمرو ترکمانت صرف زور گشت
 § (هنوز هم میدهند ملک ایران فشار)
 § رای این مملکت دیگر جلالی نماند
 § ز شدت ظلم و جور علم و کالی نماند
 § رای اصلاح ملک و فکر و خیالی نماند
 § جزایر بحر فارس رفت و حالی نماند
 § (هنوز هم باکسان نگشته اند هوشیار)
 § لیک در این حبس و بیس نجسی کی و سیر
 § تا که بیبی جهان مانده ضرر رفته خیر
 § بجای مسجد شود بشکده و دار و دیر
 § فغان که سرحد ما فغانه در دست خیر
 § (چرا که قاجاریان نبودشان تنگ و عار)
 § ز شدت ظلم و جور و سکنرت خائنین
 § نه از ممالک آنر مانده از شرع و دین

فروشی، آیا هلوزم عوام گول این گونه عالمه سوه را خواهند خورد؟

اخبارات قان

حشمت لک سیستان بعد از شش سال توقف طهران آخر الامر در این موقع بی بولی دولت به تقدیم شصت هزار تومان حکومت قانانرا با لقب حسام الدوله گرفت و مراحت کرد. از روز ورود الی حال چندین نفر اشخاص محترم را بطوری خوب زده و بی احترام کرده که به تحریر نمیکنیم.

چون رئیس تلگرافخانه را هم به تقدیم دو بیت تومان معزول کرده و رئیس دیگر آورده که هیچکس حرمت عرض تلگرافی ندارد. لهذا رعیت ملک رده عبور شده اند که ناپیت روس و انگلیس را قبول کنند و بعضی هم تریاک بخورند و خود را بکشند، ملا همراه قاضی از خوف خود را مسموم کرد و کشت ماضی هم اگر ملجاء و پناهی نبینند همین کار را خواهند کرد خداوند خودش باین بکشت رحمت بی بضاعت قانان رحم فرماید که کار خیلی سخت است.

ترجمه مارتنگ پست ، دسمبر

انژیو - بیانات شاه

(وقایع نگار اخبار مذکور خبر میدهد)
شاه امور عصر ما احاطه حضور داد، اگر چه قدری کدالت داشت ولی در جواب سؤالات من درین مورد، شاه عن راسخ العقدهی و میل خود را به پارلمان طاهر ساخته، ضمناً اظهار نمود که رای ترقی ایران و اصلاح امور ملک و ملت مجلس لازم است، چنانچه ترقی ملل سایر را هم پارلمان موحد شده است، ولی ظهور نتایج اخرویه مجلس ما کارها دیگرگون ساخت. اهالی ز فرط جهالت خیلی پیشستی نموده، امیدواری دفع تمام بدبهارا در پارلمان داشتند. در ایران لازم است رفته رفته پارلمان محترم و موثر شود. این بو خلاصه بیانات شاه که زبان آورد، سپس گفتم مردم ایران دو فرقه اند یکی طالب پارلمان دیگری منتظر از آن، و طرف آن میر. که تمجیل در کار مورث مزید افتشاش شده، چنانچه نتیجه عجله بود که مجلس منتج از زحمات و خوربزی های زیاد شد.

است سرکب از شاهزادگان ذوی الاحتشام و جعی از وزراء عظام و رجال فخام و نجار محترم مائل دانشمند خبر خواہ دولت و ملت افتتاح شد، انشاء الله من بعد آنچه راجع بفرانده نامه و معدلت نامه است در این دارالعدالة مبارکه مذاکره و اقدام خواهد گردید الاحقر داعی مضل الله نوری - الاحقر ابوالقاسم الحسینی

حبل المتین

مارا هیچ اعتراضی به شیخ ناری و میرزا ابوالقاسم امام شنبه درین گوه مخارات نیست، چرا که شیخ ناری را از دو سال باین طرف ملت شناخته، و میرزا ابوالقاسم امام شنبه پدرش داماد ناصرالدین شاه بود و خودش داماد مظفرالدین شاه میباشد، معلوم است که در سبک و سلاک علما از بستگان دولت و منتسبین سلطنت و مسلم است قش خود را در آب می بیند.

سؤال ما از شخص آقا سید کاظم بزدی میباشد که خود را در مسلاک علما شامل نموده و پس از وصول این تلگراف تبریک بشاه میدهد، حالا معلوم شد فرض از مشروعه بازی سید چه بود؟ آقا قرمان جدت شوم آیا شرع و شریعت عبارت از چند نفر شاهزادگان و وزراء و نجار معروف الحال اند؟ از مجلس دارالتورای ملی که سی نفر مجتهدین مسلم عضویت داشتند و دوسال مفتوح بود بقول خود شا چیزی فهمیده بودند، این مجلس که اعضایش همه معروف الحال و مشهور اند، یک نفر که مسائل طهارتین را نداند چه فهمیده که هنوز بار شده تلگراف تبریک زدید؟ مسلمانان خارجه از کیت و کیفیت (قوسل اف استت - شوری درباری) ایران بخوبی واقف گردیده اند، شما خواهد مجلس عداله نام نبود یا مرکز ضلاله، فرض معلوم شد، اینک که پرده اسرار بالا افتاد کشف بسیاری از رموز خواهد شد. هیجا آقا سید کاظم رای فریب عوام از مصلحتین لوامح بی طرفی انتشار میداد، چطور شد که در هرصه این دوسه ماه بالغ بر بیست خط و تلگراف بدربار خدارانه نموده و یک پا ایستاده که این مجلس مشروع و عدالتخواه است، اقلاً خوب بود برای فریب عوام چند نفر ملای دین بدینا فروش را شامل این دارالضلاله نموده بودند تا میتوانند عوام بفرمانده حکام و قوانین صادره از آن مطابق با شرع است، اند بر این دیانت وزده

شاه اظهار داشت که يك مجلس (فونسل آف اسنیت - شورای دراری) منعقد کرده تا متوجه تمام امور ملکی باشد. حزاء آن اگرچه وکلاء ملت نیستند ولی این مجلس کم کم مجلس ممتاز خواهد شد و بهر حال این مجلس و جماعت قلیل تحت امر من و تربیاتی که داده خواهد شد در آینده این مجلس مانند پارلمانهای معتبره ظلم خواهد کرد. بار اظهار داشت این خیالی است پیروده و اطل که اهالی تبریز طالب مشروطیت اند و آنها معطش و آرام خواهند شد هر گاه مطلوب شان حاصل شود. چه اغتشاش تبریز اکنون يك سال است و حال آنکه پارلمانهم داشتند. اهالی تبریز فتنه جو و باغی هستند و جمعی از فقاریان هم آنها ملحق شده اند -

حبل المتین

شاه نظر دستورالمملهای سری که از معاونین پاتیکای خود یافته و العاطفی چند میخواهد خود را خوشنم و متمددن و ملت را متصرف جاهل جلوه داده، سلب استحقاق آنها را از حریت و باید، این است که وقایع نگاران غالب اخبارات ممبره را بسوی خود جلب و به تمام همین بیانات نو خالی را برای اشاعه در اخبارات داده است.

عجب تر آنکه اخبارات مذکوره بیانات شاه را یا خوش طبعی تمام در مقام جرید و پرد نوشته صنفاً همین قدر میگویند حرکات شاه تاریخی و فراموش شده نیست

اخبار (ویلز) حایکه بیانات شاه را از خبر روتزل عوده می نویسند، محمد علی طوطی خودی است، هر چه او بیاورد طابق العمل بیان میکند، بدون آنکه کلاهش از سرش خرویش خردار شود که چه گفته ؟ یا خود همید که چه میگوید ؟

مثلاً محمد علی رامی خود را حامی پارلمان جلوه میدهد و حال آنکه دو سال کامل است عملاً مخالف پارلمان ظاهر گردید، محمد علی میگوید پارلمان پشرفت نکرد، ولی اظهار نمیکند که عدم پشرفت او برای موی بود که خودش هر ساعت در جلو مجلسیان می تراشید، اگر تمام اعضای پارلمان ایران مانند بهارک مدبر و دامام بودند با مخالفت او چه پیشرفتشان می شد، محمد علی

عائناً با تمام قوت خود در اختلاف انداختن بین وکلاء کوشید، و این نکات بر همه نایندگان دول بلکه باشندگان اروپا روشن است، و همین جهت بود که کوششهای او در برهم زدن پارلمان بی سود شد و نایندگان دول اعلان مسوولیت او را رسماً رد نمودند محمد علی ملت خود را اروپائیان جاهل معرفی می باید، ولی میداند که در نزد اروپائی تعلیم و تربیت شخص او از یک نفر متوسط ایرانی بهتر است، بلکه حرکات وی درین اواخر ظاهر داشت که تنگ ظلم اسنیت بود، و وحشی ترین اقوام و خون خوار ترین مردم هم به قدرت بر او می نگرینتند

لطف اجاست محمد علی محض این که هرام خویش که استبداد است نائل شود در بیانات خود عیوب آناه واحداد خویش را آشکار میکند، چه درین یکصد و اند سال چه چیز مایع تعلیم و تربیت ایرانیان سز احداد وی بوده اند، چه به تصدیق تاریخ وقتی احداد محمد علی بساطنت ایران رسیدند ایرایها از تمام اقوام آسیا و غالب مال اروپا تمدن و تربیت یافته تر بودند، و امروز حال ایرانیان بجای کشیده که مانند محمد علی شخصی که خودش برنی و سر و نه همان کرباس است آنها را جاهل میگوید

اینکه مردم را دو فرق گفته در صورت تصدیق این دو فرق شدت را هم سبب شخص محمد علی شد تا دبرور که مجلس قائم بود سز اطراهای محمد علی آهم در ماطن بهوا حس نفسانی مخالفی برای عاس دیده می شد حالا هم باطمینان میتوان گفت امروز هم اگر محمد علی ترك مخالفت گوید مخالف دیگری برای مجلس نخواهد ماند

(فونسل آف اسنیت) و وعده هایکه محمد علی در خصوص ترقی دادن او میدمد دامان رمور تمام را قیاس سائر اقوال و مواعید و قسمهای وی در همراهی به پارلمان می نماید

محمد علی اهل تبریز را یاقی و فتنه انگیز باعالی اروپا می خواهد معرفی کند، و حال آنکه تبریزیان نبوت تمدن و حقوق طلبی خود را بهاللباس داده و در نظر هیچ دی مدبری سخنان او را قدر و منزلت و وقتی نیست

اینکه محمد علی میگوید تبریز از يك سال قبل مفتوش بود و حال آنکه پارلمان هم داشتند. اول آنکه چند روزی پیش اقلاب در تبریز نشد، و سبب آن هم همین اشخاص شاهسون بودند که دست یارهای او داده اند، و چون آنها را خارج از شهر کردند اغتشاش هم رفع گردید تا دوباره آنها را به تبریز فرستاد و این بساط آخر بروی کار آمد.

بهترین دلیل بر طلال قول محمد علی این است که از یکصد و اند سال باین طرف پشتگرمی سلاطین قاجاریه با اهالی تبریز و شجریان آذربایجان بود، و هر يك از سلاطین بجز اهالی آذربایجان را در شاهسون يك انقیاد خاص یاد نموده در هر میدان جان شاد آنها داده، قاصح آنها بوده، هر ملای خارجه و داخله آنها بوده، خط اسرار مفتوش میشد آنها امن میکردند، قاس نامی میکردند آنها سرکون می نمودند، کرمان و بلوچستان هیچکس میشد آنها دفع نمیکردند، جناحی معروف است محمدشاه از حاجی میرزا آقاسی پرسش نمود: اگر اهالی قاس بدولت یابی شوند چه باید کرد؟ جواب داد با دایرن آذربایجان تأدیب میشوند، بار برسید اگر مردمان خراسان سر از اطاعت شاه نکشند چه خواهد شد؟ جواب داد که شجریان آذربایجان آنها را باطاعت مجبور خواهند نموده هر يك از سویمجات ایران را برسید همان جواب شنید، سپس استفسار نمود: هرگاه اهالی آذربایجان یابی دولت شوند چه باید کرد؟ جواب داد، اهالی آذربایجان شاهسونند هرگز بیادشاه یابی نمی شوند، باز پرسید اگر شدند؟ گفت نمی شوند، طاعت شاه اصرار کرد و تغییر نمود که فرض بحال که بحال نیست، در صدد و نیکی اهالی آذربایجان مخالفت آغاز کرد تا راه تدبیر باید کرد حاجی میرزا آقاسی که مرتد و وزیر شاه بود و ساخته گفت گر آذربایجانها بمخافت دولت برخاستند احدی حضرت اید ز نخت سلطنت فرود آید (در حقیقت حالا همان موقع پیش آمده) مقصود این است که شاه برستی اهالی آذربایجان ضرب المثل و صدقه تاریخ بوده و هست، بر فرض قول محمد علی را تصدیق نمود که آنها یابی دولت اند علتش را باید فهمید دوستی بی جهت ممکن ولی دشمنی بی علت ممکن نیست، علتی هم جز فطاری و بدعهدی شخص

محمد علی به نظر نمیرسد، ورنه چگونه می شود که شش کرور فوس يك صوبه که صد و سی سال بشاه برستی خو کرده و به شش پادشاه از يك خاندان یکی بعد دیگری خدمات خان شرازه نموده يك مرتبه بدون جهت تولا فادت درین گفته بمخافت بر حیزند، اگر این است که محمد علی میگوید که اهالی آذربایجان یابی ما شده اند لازم است او هم اختیار کند فرمایش حاجی میرزا آقاسی را

ما ما که اهالی آذربایجان بمخافت و همراهی قفقازیان یابی شده اند، اهالی خراسان چه هستند؟ اهالی ملایر، همدان، کرمانشاهان، کرمان و طالش چه شده اند؟ باشندگان سلم النفس کاتب اصفهان را کدام سگ دیوانه گزیده، معلوم می شود کاسیکه یابی شده هستند فقط عبرت میباشند از سید یزدی، شاپشال هودی، شیخ اری، ایاکوف روسی و امثال آنها و هر صوبه از ملت دهوی حقوق باید و استرداد حقوق مصوبه خوبش را خواهد یابی محمد علی است، آیا مقررهای روشن اروپا هیچ این سخنان را تصدیق میباید؟

باجمله ما محمد علی الطینان میدهم که انتشار این بیانات اندازه خردی ابع محال او نخواهد گردید، در صورتیکه ملت آذربایجان یا اهالی سایر سویمجات ایران ظالم اند هرگز یابی بقیلم نخواهند رفت، و حق مغلوب شدند هر چه محمد علی نخواهد در حق آنها بگوید

➤ عودت ظل السلطان ایران

رحمت تلکرافات واصله از طهران شاه ظل السلطان در ایران خواسته و عنقریب رونه بحجاب طهران خواهد شد

پس از تحقیقات کامله معلوم شاه گردیده حکم ظل السلطان را هرگز مبیانت خیالی و مخالفی در مسلك ما او نبوده و همو و بامر برادر بیکه بهم میدهند ساخت تا این اساس را در ایران فراهم آورده، مات مختط بوده و ایران بدون استثناء حق نگارنده در صدد ظل السلطان از خیالات وی غفلت دانستند

➤ ترجمه دلی تلکراف ۱۱ دسمبر

(سفارت فوق العاده ایران)

شاه علاء الملک را در (زار کون سیلو) برای ادای مراسم تعزیت بحضور امپراطور روس بنابر فوت

همایشان (گراند دپوک الکبیس) روانه نمود، ولی فرض اصلی شاه این است که ضمناً از امپراطور روس استعای همراهی در قای سلطنت وی بشود، اینک شاه مستعد است که زیر بار سلطنت مشروطه برود مشروط بر اینکه پیش از ملاحظه بهبودی ملک و ملت لحاظ جان او و خانواده و سلطنتش را به نماند، این نیز به تصدیق بیوسته که شاه حاضر است بیشتر از آنچه از او میخواهند بدهد اگر دولیکه او را ترغیب به اختیار نمودن مشروطیت می نماید ضمانت کنند استقلال مملکت و حفظ جان وی و خاندان و سلطنتش را

حبل المتین

گویا حالا این جوان مصروع بخود آمده، و ملتفت کرده های سبانه خویش شده که درماتهای بذلت دست نوسل بدامان خارجه در بقای سلطنت خویش زده و حال آنکه بی سود است، حصص حسین پادشاه باید رعایای او باشند نه سلاطین اجنبیه عنقریب شاه درک خواهد کرد روزی را که بحق فشار ملت باو بچشاند آنچه را که او به ناحق بعات عیاره چشائیده است

همچنانکه این جوان بوالهوس حاضر شده که مانند امیرنخارا به پیش خدمتی امپراطور روس افتخار نماید، و استقلال شش هزار ساله ایران را محض تمیض چندروره خود و خاندان خویش باجانب سپارد، در حرف سیاستور این خواهشات از يك پادشاه مستقل جز این دو نکته حاصل ندارد، آیا این جوان در این امور مقضی للرام می شود؟ آیا امپراطور را آن قوه و قدرت و اختیار هست که خواهشات محمدعلی را انجام دهد؟ بقیده جمهور سیاستور خیر، امروزه هیچ دولتی در امور داخله ایران تصرف نتواند کرد، هرگاه ملت غالب آمد و تکلیف خودخواه غمخواه عمل خواهد نمود، چنانچه این جوان در غایبه دو روره خود کرد آنچه توانست این است معنی جهالت و نتیجه جوانی و ناآشنایی با علم علاء الملک به (برلین) و آستریا هم خواهد درفت آنها به پناه های محتلمه ولی فرض اصلی آن است بلکه دست نوسل این جوان را خدمت امپراطوران برساند و ضمناً هم ملت را با این پناه ها مرهوب روس سازد و هم روسها را بخيال اندازد که میباید با آلمان سازش نماید، ولی باطمینان کامل میگویم که اینگونه تشبثات را

هیچگونه فائز نیست، آیا جای ندارد که این جوان صرع زده حسرت باعلیه حضرت سلطان به برد که ملتش مانند جان شیرین هنریش میدارند، و برعکس و باید از خوف عقوبت ملت نه بخدا از زشتی افعال خود دست نوسل بدامان این و آن دراز نماید و هیچ صرفه نیز حاصل نه نماید تف بر این سلطنت واقف بر این سلطان

پیرنگ آلمان در ایران

اخبار (ویتن) می بویسد آنچه به تحقیق پیوسته و کمال وثوق هم بر صحت آن هست، شاه بتازگی سرآ تأیید ملی از دولت آلمان محرمانه یافته، و در مقابل دستخطی که از او تجاوز میتراند نمود حاصل عموم، که فوقیت دهد حقوق آلمان را در تعمیر راه آهن ایران بعد از اقباضی میعاد امتیازی که بدولت روس داده شده، چه فعلاً دولت ایران بر حسب امتیازیکه روس داده مقید است و تا اختتام میعاد روس نمیتواند بدولتی دیگر این امتیاز را بدهد امتیاز روس در دسمبر سنه ۱۹۰۹ اختتام خواهد پذیرفت

جمع تدابیریکه شاه در برهم زدن مشروطیت ایران اتخاذ نموده و ابتدائی که در بر نماندگان روس و انگلیس تاکنون کرده بدستور الصماهی بوده و هست که از وزارت خارجه برلین بتوسط محمود خان و دربختار (رئیس سابق مجلس) بشاه میرسد، مسلک محمود خان سالمست طرف داری نفوذ آلمان در ایران است، و میتوان تصور کرد که برخی نوسنجات بوشیده دیگر هم آلمان از شاه حاصل نموده باشد، دولتمن روس و انگلیس گویا بی به بعضی نکات برده که بمجردیکه شاه اعلان تسبیح مشروطیت را داد و او را پیش کردند، یعنی شاه را مهلت ندادند که یکساعت هم خود مختار ماند تا آرزوی آلمان را بر آورد، هیچ لازم به بیان نیست که تاوقتی مشروطیت ایران برهم نخورد هر سند و امتیازیکه شاه بکسی بدهد رسماً از درجه اعتبار ساقط است، از این رو میتوان گفت که چون دولتمن روس و انگلیس از اقدامات آلمان و پول دوستی شاه بخبر واقف شده اند حال است شاه را آنی خود مختار تسلیم نماید، چه آلمانیهای زبرک چرب زبان بذال رخنه در وجود این جوان بول دوست نموده اند، اگر ساعت هم شاه خود مختار ماند آلمان کار خود را خواهد کرد

سیا-بیون روس را (که حامیان شاه بودند) حالا بد زخم خورده دانستند که آنچه حایه که از این جوان بر حقوق کرده اند قبیح است و او دارد آلمان حاصل میکند، این است که پس از تحقیق امر با دولت انگلیس در اقبای مشروطیت ایران يك دل و يك جهت شده، شاه هم قوت سری آلمان دزد بفرمای روس و انگلیس بازی میدهد گویا برای شاه این حرکات سودمند نشود و طاقت بخشاری سخت تر دو چار گردد

آلمان خلیل بر قوت و قوذ خود در دربار شاه افزوده و مانند آب زیر کاه مخفی می دارد پیش میروند، امتیاز تشکیل بنک را گرفت، اجازه افتتاح مدرسه هم حاصل کرد، با مبلغ هنگفتی سالانه از شاه محقریب تعبیر شفاخانه هم خواهد نمود، و سالانه هزار و هشتصد لیره شاه باین شفاخانه خواهد داد، این بخشش های فوق العاده شاه هم درین موقع بی پولی دال است بر سازش آلمان با شاه سفارت آلمان در هیچ موقع پناهندگان ایرانی را برای ترضیه خاطر شاه بخود راه نداده ولی محض اینکه ملت هم از او رمیده نشود سفارت آستریا را به بعضی حرکات و اادار می باید، با این همه خرابی از مشروطیت و مستبدین جماعتی در ایران امروزه حامی پاتیک آلمان شده اند و قالب از مسلک آلمان و سازش با شاه واقف نمیباشند

خلیل لنتین

اگرچه ما بجزئیات نگارش هم قلم خود همراه نیستیم ولی کلیات او را تصدیق می نمایم هیشکی که به طرفداری مسلک آلمان از ایرانیان تشکیل یافته گویا از سهو یا قصص حکمت عملی روس و انگلیس باشد البته در صورتیکه بر ملت محقق شود که دولتین روس و انگلیس از سهم قب حامی مشروطیت ایران میباشند و برعکس آلمان محض جاب منافع خویش استبداد شاه را میجوهد تمام مسلک خود را تبدیل خواهند داد، حرف این است که ایرانیان از حسن توجه عملی دولتین روس و انگلیس درباره ایران مأیوس گردیده اند

ترجمه نیوکاسل دیل کرائیکل

(۱۷ دسمبر)

(لی طمس) پاریس که معتبرترین جراید فرانسه و بعضی حقیقتات میتوان اخبار نیم رسمیتش خواهد درمقاله مخصوص خود که خلیل بر قوت و زور بود درباره ایران نوشته و دولت فرانسه را نامتهای شدت منتهی نموده که اینک بر فرانسه لازم گردیده است که در این انقلاب عظیمه ایران تزلزلت بی طرفی را گفته از خواب غفلت بیدار شود و با يك نظر عمیق نوع خواهاه و تمدن پسنده

بواقعات خویشوارانه سیدانه ایران نظر افکنده، که يك مملکتی بزرگ دارد بهوای نفس يك جوان بی حواسی بر باد می رود و ایران می شود

امروز ستارخان رئیس مشروطیت ایران يك اوردوی بسیار قوی که دارای (۲۰۰۰۰) لشکر مرتب است آماده نموده که در مقابله قشون شاه که خلیل بست و ناقابل است کافی تصور می شود

محمد علی تا جائیکه در قوه اقتدار خود دبد کوشش نمود در خود سری و چلود مختاری طویش و برقرار داشتن سلطنت مستبده، ولی از روی ایقان میتوان گفت که اینک ما کام گردیده، و دست و پایش از هر جهت بسته شده، هر اصول که تصور شود انتظام ملک خراب، مالیات لاوصول، خزانه تهی، ذراعت معدوم، تجارت مسدود گردیده و بهوای نفس یککفر دارد ایرانی و برانست می شود، شاه بی درین وعده میکند و زبان میگوید که من قلباً مشروطه خواهم، ولی در واقع امر محمد علی دشمن مشروطیت و خلیات وی بالکل مخالف با آزادی ملت است، دولتین روس و انگلیس متفق الکلمه اند که آزادی ایران کاملاً باید برقرار و از مداخلات خارجی محفوظ باشد، با این همه تا درجه دولتین رجحان بجانب مشروطیت دارند که نگاه دارنده استقلال ایران تواند بود،

لذا دولت فرانسه که مؤسس تمدن و مؤید نوع مظلومین درین عالم بشمار است هر نوع که ممکن شود فعلاً به قولا باید اقدام نموده مشروطیت مظلوم را تأیید و آزادی ایران را برقرار دارد تا ترقی کامل در امنیت آن سر زمین پیش آید و تجارت و صناعت رو باز یاد گذارد

ترجمه مانچستر گاردن ۷ دسمبر
یکی از جراید پترسبرگ از سفیر روس که تازه از طهران وارد شده از حالات (لیاکوف) و اختیارات وی پرسش نموده مشاوره خوب داده، که قبل از ورود من بطهران سه نفر در کارهای دولتی روس در طهران دخالت می نمودند، یکی سیر بود، دوم مأمور فوجی - سوم نماینده عالی - تصرفات دیگران را من در مأموریت خود رفع کردم، ولی دفع تصرفات مأمور فوجی خارج از اقتدر من بود، چه (لیاکوف) در تحت امر اداره تراق و وزیر جنگ روس بوده و هست (لیاکوف) آنچه نموده و می نماید بنابر امر محکمه جنسی روس بذریعه فرما فرمای قنایز بود

وقایع نگار مذکور پرسش نمود که آیا شما را معلوم بود که انصران جنگی روس نمایان به (کرنل لیاکوف)

در ایران میدهند ؟ - سفیر موصوف جواب داد بی (لیاکوف) در تحت امر اداره جنگی روس حرکت میکرد . و اختلاف او با رأی من بواسطه آن بود که بین وزراء روس هیچگونه اتحاد نیست که مأمورین جزء آنها در هر حال مسلك خود را بلكه کرده اقدام نمایند ، هر کدام فقط بخیال خود حکمی میکنند - وزیر دستا نشان هم مبنی بر میلان مرکز خود حرکت می نمایند ، من لیاکوف آنچه دستور العمل میدادم مخالف حرکت میکرد لذا بر طبق وظیفه خود بدولت از کردار او پروتست هم کردم و دلیل بر صدق این بیانات این است که بتاری (سیوشاریکوف) مخصوصاً از جانب شخص امپراطور تلگرافی بلا واسطه بسفارت طهران مخابره هوده که افسران روسی که در ملازمت شاه هستند میتوانند به معیت قزاقان ایران از طهران بری جنگ بجای دیگر حرکت نمایند ، و این و صد کرنل (لیاکوف) و سایر افسران روسی بهیچوجه نمی تواند در معاملات ملکی ایران مداخلت کند و در مسائل پلیسی تحت امر سفیر طهران باید باشند ، و این نکته ظاهر میدارد که سابق چنین نبود - سفیر مذکور اقرار دارد که (لیاکوف) در انهدام مجلس ملی ایران و واقعه ۲۳ جون بزرگترین حربه را گرفته بود

ترجمه میل نیوز ۲۴ دسمبر

وقایع نگار اخبار مذکور از پترزبرگ ۲۰ دسمبر تلگرافاً خبر میدهد که یکی از عماید روس تازه از طهران وارد شده ملاقات هود ، مشارالیه اظهار داشت که از (کرنل لیاکوف) پرسش نمودم که آیا از نوکری خاصه شاه خوشوقت هستی یا نه ؟ جواب داد که چگونه خوشوقت نیاشم و حال آنکه من بنا بر پیشرفت اغراض دولت خود و بهتری دولت متبوعه خویش در این مأموریت آمده و خدمت می نمایم -

کرنل لیاکوف اظهار داشت که من هماره با سفیر روس مقیم طهران اتحاد داشته و مقیق الرأی بوده ام و هیچکاری جز دستور العمل و اجازه وی نکرده ام - و مرا از سخنان سفیر مذکور تعجب می آید ، کدام قائده برای روسیان و اغراض دولت روس از توپ بستن به مجلس ملی ایران بهتر متصور بود . و من این حرکت را هم نامر و اجازه سفیر مذکور هوده ام ، در ماده مشروطیت ایران خیالات (کرنل لیاکوف) بی مزه است . مشارالیه فارسی نمی داند ولی اندکی می فهمد - چنین اظهار داشت که به ملت ایران نه شاه و وزرای دربار هاور معنی مشروطه را فهمیده اند - سپس گفت من هیچ تعجب در تحت نگارش

روز نامه (رج) ندارم که وقایع نگار وی از طهران باو خبر داده بود که سفارت آلمان راییه پیشترت مقاصد دوات خود مشغول با اقدامات سری است . و حامی مشروطیتین ایران میباشد و ازین رو خیلی نزدیک است مقاصد مشروطیتین انجام پذیرد -

ماز کرنل لیاکوف گفت من تا کنون در تحت امر حکمت جنگی روس و عتاً در ایران طرفدار پیشرفت مقاصد دولت خود میباشم این نکته است که شاه و وزرای او هم تمام میدانند

اگرچه نمایندگان روس وانگلیس در پیشرفه مقاصد مشروطیتین ظاهراً بشاه اصرار می نمایند ، ولی در باطن هر دو طرفدار خود مختاری شاه و حامی کسانی اند که مشروطیت را در ایران رهم زدند (یعنی من و امثال من) کرنل لیاکوف گفت من آزادی ایران را عتاً نظر تحقیر می بینم بلکه مشروطیت ایران را هلك احترام امپراطوری روس می بیندارم ، دولت انگلیس هم باید بداند که در آینده نفوذ وی در ایران کاسته خواهد شد

جبل المذنب

از بیانات سفیر روس و کرنل لیاکوف چند نکته بجز ... در ... ان گردید اول خیالات مأمورین روس در ایران ، دوم ثبوت اقدامات نمایندگان روس در انهدام پارلمان و مخالفتشان با مشروطیت ایران ، سوم توجیهشان در کاستن رسوخ و نفوذ انگلیس در ایران ولی اقدامات اخیره انگلیس تمام این نکات را ظاهراً باطل نموده چه آن سفیر معزول و عنقریب جتول قونسل تبریز هم تبدیل خواهد شد (لیاکوف) هم رسماً از مداخلت مأمور ملکی و شرکت در جنگ ملی ممنوع گردید ، با این همه آیا روس و انگلیس حامی مشروطه هستند که مات خواهان است یا نه ؟ خیلی محل تأمل است

مذاکرات اعضای پارلمان انگلستان

در معاملات ایران

مستر لیچ از وزیر خارجه انگلستان سر دوردگری سؤال هود ، آیا وزیر مطلع است از بیاناتیکه سفیر روس مقیم طهران بتاری در پترزبرگ هوده ، که کرنل لیاکوف تمام اقداماتیکه در طهران میکند مبنی بر احکام وزیر جنگ روس است و احکامیکه مان می رسد تمام بنوسط فرماضرمای ففقاژ میباشد ؟ در این صورت آیا وزیر خارجه انحراف میکنند از جوابهایی که سابقاً باعضای پارلمان در بیطرفی دولت روس داده خاصه در سؤالیکه (مستورین) هوده و تکرار کرده بود در موارد چند که این افسر روسی در ایران تعلق بدولت

روس دارد ؟

سرادوردگری - من فقط در اخبارات این مطالب را ملاحظه نموده ام که سفیر روس اظهار داشته، ولی این بیانات هرگاه نیت هم نباشد من هیچ عاقلی نمی بینم که باز گشت تمام از جوابهایکه در موسم تابستان در خصوص (کرنل لیاکوف) باعضای مجلس داده ام

(داکتور ترنورد) آیا شاه اعلان منسوخی پارلمان را تردید نمود؟ آیا میتواند بگوید دولتین انگلیس و روس چه تدارک خواهد دید برای حصول مشروطیت ایران؟ سر ادورد گری - دوم دسمبر شاه بسفرای روس و انگلیس رسماً خبر داد که اعلان منسوخی پارلمان بدون اجازه من بوده و تکرار کرد که اجازت بوده خود خواهد بود. و سالی در افتتاح مجلس است بر خلیق خراش مات و موافق با قوانین اسلام مستر لنچ - درست است که در جنگ خانگی مستبدین و مشروطیت ایران افسران روس که در خدمت شاهند دستور العمل تازه دولت روس شاه را تأیید نخواهند کرد. آیا در صورت شامل شدن آنها در جنگ ملی دولت روس خساره که برایان از مشمولیت آنها وارد آید منظور داشته است یا خیر ؟

سرادوردگری - بطور متوالف اظهار داشت فرامینی را که دولت دیگر صادر نموده، و چون جواب اینگونه سؤالات از دمه من خارج است میگویم ابدأ جواب ندارد. بموجب اطلاعیکه من رسیده افسران روسی که نام برده می شوند به هیچ وجه من لوجوه شرکت در جنگ سوچه آذربایجان که از جلد ماه جاری است نکرده اند

اظهار یکی از اعضای پارلمان ایران

در لندن

یکی از اعضای مجلس ملی ایران با (پروفیسر برون) در لندن در یکی از مجالس تقریر کرده در ضمن بیانات خود اظهار داشته است که اهالی ایران اطاعت سلطنت مشروطه خارجه را بقبول سلطنت مستبدانه شاه ترجیح میدهند

مستر لنچ که يك از اعضای شورای انگلیس و در آن مجلس شرکت داشت اظهار نمود که ما از صمیم قلب خواستگار آنیم که دولت ایران مشروطه شود و هیچ يك از دول خارجه را در او هیچگونه اختیارات و مداخلتی نباشد.

چون ترك مداخلت خارجه مد نظر است و اینگونه يك دله در حلقه سیاسيون فیصل یافته صحبت دربرخی

اقدامات خارج از موضوع است لذا باید دولتین روس و انگلیس دوستانه بشناسند و شاه را نصیحت کنند و اظهار دارند که از عدم اقبالی وی مواعید خود دولتین خلیل رنجیده اند. فقط با اینگونه سختیها میتوان اجرای مشروطیت ایران را نمود. اگر شاه را برای حصول وجه ذریعه دیگری نباشد (گویا غرض مستر لنچ درین عنوان آلمان است)

ترجمه دلی تلگراف

(۷ دسمبر)

وقایع نگار اخبار مذکور از پترسبرگ تلگرافاً خبر میدهد که (مسیو اسکوالسکی) وزیر خارجه روس نظریه در معاملات خارجه در (دوما) تقریر نموده و صراحتاً مسلک روس را در بیان خواهد کرد و ظاهر خواهد داشت که دولت روس را هیچگونه قصد مداخلتی در امور داخله ایران نیست

امروز عصر خبری اشاعت یافته که اهالی ایران مصمم شده اند عهد علی را از سلطنت خلع نموده ولیمهدوی را به تخت بنشانند تا نایب السلطنه تا اینکه از روی محبت مشروطیت نفع گیرد

موقتاً خبر رسیده که ستار خان عده انتظام کرده که جان و مال رطایب خارجه از هر جنبه محفوظ ماند و ازینرو مداخلت دول خارجه را در آذربایجان موقع نمیدهد

یکی از سیاسيون روس که به سیاحت ایران رفته و تازه معاودت نموده اظهار داشته است که انتظام ایران وقتی خواهد شد مسکه مجلس شورا ملحق گردد و يك فرضی نیز ایران حاصل کند. دولتین روس و انگلیس تا وقتیکه وراثتخواه های صحیح در ایران دایر نشود که تعیین حاصل نمایند که مجدد ما امنی در مملکت روی نخواهد داد قرض نخواهند داد

موجب تلگراف پترسبرگ و حسب اعلانیکه در تبریز انتشار یافته بود تشکیل يك مجلس بسیار با شکوهی شده که بالغ بر سه هزار نفر از عماید ارمنی و مسلمان و قفقازی شامل بود. ستار خان و باقر خان نیز حضور داشتند. یکی از مقررن اسلامی بطریق بسیار بلیغ در اتحاد ملی داده و اظهار تشکر از همراهی اهالی کرجستان و ارامنه نموده گفت آنها را در قنوجات علیه حلی ذقیبت شمرده و ضمناً اظهار داشته که ملت نباید محبت خود را بیست کند تا وقتیکه هرکب مقصود سوار شود و عهد علی را معزول نماید.

سپس یکی از مقررن ارامنه برخاسته در اتحاد ملی سخن گفته بیان کرد که باید مات ابرایه صرف نظر از

Habibul Matine Off
Medical College St.
CALCUTTA.

نامه مقدسه

هند و برمه

۱۲ روپيه -- ۷ روپيه

ایران و افغانستان

۲۰ قران -- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک -- ۱۶ فرانک

الملتیک

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

۲۵ ذیحجه ۱۳۲۶ هجری

سنه ۱۳۱۱

ترجمه از روزنامه ویلز

بزرگترین دلیل حقوق طلبی و

(مشروطه خواهی تبریزیان)

(خوش در آن باشد که ذکر دبران)

(گفته آمد در حدیث دیگران)

روزنامه ویلز در مقاله مخصوص خود ضمن
تربید قول شاه که بوقایع نگاران جراند در باغبگری
تبریزیان گفته می نویسد بزرگترین دلیل حقوق طلبی
و مشروطه خواهی تبریزیان این است که با عدم تسلیم
کامل و بیاین خیال و تبعاعد افکار ، تا امروز شنیده
نشده که بین امشروطیین خصوصاً رؤسای آنها هیچگونه
مباہنت و منافرتی برای کمتری و مهمتری ظاهر شود ،
ستارخان و باقرخان که دو رئیس و سالار مشروطیین و
سردار اردوی ملی شناخته شده اند هیچگونه مقابرت
و اختلاف رأی در آنها ظاهر نشده مانند شیر و شکر
درهم آبیخته و چون دو برادر احم - لولک می نمایند
امایت در وجود شان گویا خلق نشده خود نمان و تکبر
را می دانند چیست با آنها قنوجات نمایان ، زحمت
حاشا شاه هاره ورد زانسان است که این قنوجات عظیمه
حاصل نکرده مگر در سایه مجاهدات ملیه و مام مانند
یکی از افراد مجاهدین کمر خدمت مات است نسبت
دیگران مزین در خود مشاهده میبایم ، و این نیست
مگر کمال تمدن و حقوق طلبی و نیات خالصه و وطن خواهی
ایشان ، چیزیک پیش از همه تکذیب میکنند فرمایشات
شاه را در حق تبریزیان هما اطاعت نامه بزرگان و سران
و افسران خاصه این دو سردار جلیل الندر از اوامر
نجمین ملی است که اینک در مقام پاران ایران شناخته
می شود ، هرگاه این جماعت خاصه سران و سرداران آنها
را غرضی جز حقوق طلبی و مقصودی غیر از مشروطه
خواهی بود خارج از تصور بودی که تا این پایه اتحاد
بین آنها قائم باشد و همه یکدل و یک زبان اوامر

انجمن ملی را مطیع و تقاضا کردند و همین نکته خود
بزرگترین بطلانست بر افتزات شاه در حق تبریزیان
و پیش از همه همین نکته سبب توحه و همدردی اروپاییان
نسبت به ملی تبریز شده و سخنان شاه را در حق
تبریزیان جز باهام ننگریستند

حبل اللین

همه محترم ما البته اهمیت این نکته را پیش میدانست
اگر مطاع بود که چندر درباریان و مستبدین - می نمودند
در ففاق ادخالقین بین ملت تبریز خصوص بین این دو
سردار جلیل الندر ملی چه وعده و وعیدها که هر یک
ندادند و چه اسبابها که فراهم نیاورند مسئله فرانس
پرسره پای سفارت اسلامبول و بردن نشان و تبریز یکی
از آن دسائس بود ولی چون ملت تبریز و این دو
سردار حبل را جز حقوق طلبی و مشروطه خواهی
و اطاعت از اوامر حجج اسلامیه و فرمان برداری از
انجمن ملی منظور و مکلونی نبود همه را بهیچ شمره
و ساعت بساعت در اتحاد شخصی و نوعی شان افزود
تمدن خودشان را بر طالبان ثابت نمودند و این نیست
جز ناید امام عصر عجلا الله فرجه در پیشرفت مقاصد
این ملت خبور شجاع نجیب

بلی بزرگان توفیق از اغراض شخصی صرف نظر
نه بوده مقامات عالیه بزرگی زرسیده اند ، خداوند الفت
و اتحاد و یگانگی را در میانه آنها زیاده نباید
بزرگترین اقتضات ملی ایران همین نکته است

تلاکرافات و وتر راجع بایران

(۱۱ جنوری - ۱۸ ذی حجه)

بر حسب تلگرافیک از تبریز به پترسبرگ رسیده
درخواستی و متصل تبریز برخی مقاله های خفیف می شود
جناب مشروطیین را از (در رود) بیرون کرده اند

(۱۶ جنوری - ۲۳ ذی حجه)

دولتین روس و انگلیس عنقریب اقدامات جدید

در مسائل راجعه ایران خواهند نمود - تلگرافی از پترسبرگ در طمس لندن اشاعت یافته که محتمل است فردا (صیو اسوالسکی) وزیر خارجه روس بسفیر انگلیس در پترسبرگ و رفته قدیم نماید که در آن تصریح باشد بواقعی که از روی تحقیق در ایران پیش آمده و تأکید باینکه اصرار خواهد نمود که لازم است اصول تجارت و وضع مالیه ایران بر اساس صحیح گذارده شود تا آنوقت دولتین روس و انگلیس تواند شاه و مجلس ملی را تأیید نمایند

حکومتین

این تلگراف چند نکته مهم سیاسی را در بردارد اول آنکه سنگ یاس بر شیشه آرمان درباریان میزد و صاف ظاهر میدارد که تا وقتیکه اساس تجارت در ایران از مصادمه ایمن نشود یعنی مملکت آرام و راهها امن نگردد و اصول صحیحی در وضع مالیه مملکت و برپا داشتن وزارت خانه ها و ادارات صحیح دولتین روس و انگلیس هیچ گوه تأییدی شاه و مجلس ملی نتوانند نمود یعنی التجای درباریان روس و فرستادن سفارت فوق العاده نزد امپراطور مفید هیچ قائده نتواند بود

این تلگراف بی طرفی روس و انگلیس را با اشاراتی که درخور سیاست است اظهار میدارد، و صاف میگوید که ابرایان در معاملات ملکی خود مختارند اهم براینکه اداره استبداد قائم دارند یا اصول مشروطه و مجلس، چشم همراهی وقتی دولتین روس و انگلیس باید داشته باشند که امنیت طرق و آرامی بلاد قائم و ورارخانه های صحیح تشکیل و مالیه دولت تحت انتظام صحیح در آید، درین عنوان رجحان دولتین طرف مشروطین از دو راه ظاهر میشود یکی آنکه شرایطی را که در همراهی خود پیش نموده اند بدون پیروی اصول مشروطیت و افتتاح مجلس ملی صورت ندهد، دیگر آنکه شاه و مجلس را دو نکته معادل و صد فرر داده و بزبان پلیدی پس میبکند فقط تأیید خود را هر یک ازین دو منحصر در انجام شرایط مذکوره قرار داده و این نکته برای قوت قلب مشروطین و مأیوسی و محرومی مستبدین در عوالم سیاست کمال اهمیت را دارد.

در باران و سبب که نواسته خاصه بتوسط روسیان دریاری را ادهان مات جای داده اند که روس حای شاه است و این نکته عمده سبب پیشرفت مقاصد مستبدین تا کنون بود، این ورقه و سند رسمی وزارت خارجه روس سرپوش زین راز سر بسته برداشت، و ظاهر نموده دولت روس هیچگونه حمایتی از شاه ندارد بلکه در حالت خالص واسطه اتحاد با انگلیس بطرف مشروطیت ایران است

حالا که این راز سر بسته فاش گردید و معلوم شد که هیچ قوه خارجی معاون شاه در استبداد نیست و قوای دولت هم بر یگان یگان آشکار و عدم وصول مطالبات و بی پولی دستگاه دیوانم طلبان است بهترین موقع برای پیشرفت مقاصد ملی پیش آمده امروز موقع آن است که مشروطین با اطمینان کامل از عدم دخالت خارجه و کمال قوت قلب از عدم اقتدار مستبدین بیک جنبش متحدانه ملی اساس استبداد را بر هم زده حقوق منصوبه خویش را حاصل نمایند، نه به تأیید خارجه امید ور باشند و نه از دخالت خارجه مرعوب شوند، تأیید خارجه برای ملت بیش ازین شایسته نیست که بی طرفی اختیار نمایند تأیید خارجه برای ملت بیش ازین می شود که بجهت و تدویر درباریان و تلگرافات جعلی و امضا های جعلی مشروطیت ایران را باطل داشته، رسماً رد کردند، و کماکان دولت ایران را مشروطه شناختند و دولت روس که مایه امیدواری آنها و مترس ملت قرار داده بودند بسند رسمی هم ایران را مشروطه تسلیم، وهم اطمینان بجات میدهد که هیچگونه دخالتی در حایه شاه و اداره استبداد نخواهد نمود و اگر پیش ازین دخالت خارجه را بخواهیم مضر بحال ملک و ملت ما است

ملت باید بقوه قهریه اجرای قوانین مشروطیت نماید

من با واز بلند میگویم که قطعاً و حتماً خارجه در امور داخله ایران دخالت نخواهند کرد و ازین نکته خلیلی ما باید منتظر دولتین روس و انگلیس باشیم، فرد ملت راست حکه ترك مرعوبیت گفته بی حسی را از خود دور کرده باحقاق حقوق مالیه خویش قد مردانگی علم نمایند و هیچ موقفی برای ابرایان بهتر از امروز نیست

حادثات سببه جات لارستان

افتتاح انجمن محلی و اجرای قوانین

(مشروطیت و شکست مستبدین)

(و قتل عقاد فر از دولتیان)

حضرت مستطاب آقا سید عبدالحمین لاری سلمه الله تعالی پس از آنیکه در شیراز اداره مستبده قصد سوء در حق شایسته نمود حرکت بجانب لار فرمود، و از حین ورود مردم را به ترك اطاعت استبداد مرمی فرمود، تا اینکه احکام حضرات آیات الله نجف اشرف در حرمت دادن طالبات اداره استبداد و وجوب دفع مستبدین و قتل باغی و لزوم اجرای قوانین مشروطیت بلار رسید، ایشان مفر رفته تمام ملت را از احکام رؤسای مذهب حضری آگاه کرده و حکم صریح در جلوگیری طالبات دادند، پسران قوام